

Nordic Normative-Security Map A Case Study of Islam

Reza Rahmati*

Assistant Professor of International Relations, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Abstract

Objective: This Article aims to explain the security-Normative map of Nordic societies with Islamist in the region (including Sweden, Norway, Denmark, Finland and Iceland).

Method: This study is developmental, in terms of purpose, and descriptive-analytical, in terms of method, and survey, in terms of data collection.

Results: The conflict of identity-building norms of the Nordic Universal welfare state, including a specific type of nation-state norms, welfare state norms, gender equality norms, and globalization norms with the identity-building norms of Islamic groups such as divine sovereignty, Ummah (Internationalism) and jihad have created a special type of security-political plan in the Nordic societies.

Conclusion: The effect of norms (both in Nordic and Islamist) on behavior is important to drawing a security -normative map in the Nordic. Although there are common policies on interaction in the Nordic region, the outcome of the Nordic-Islamist normative confrontation is not necessarily interaction, including from policies of social exclusion to the prevention of radicalization of violence and social inclusion strategies.

Key Words: Nordic, Security Map, Islamic Groups, Normalization, Europe.

نقشه هنجاری - امنیتی در نوردیک مطالعه موردی اسلام

رضا رحمتی*

استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران، r.rahmati@basu.ac.ir

چکیده

هدف: این نوشتار به دنبال ترسیم نقشه هنجاری و امنیتی در منطقه نوردیک (اروپای شمالی؛ شامل کشورهای سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند و ایسلند) با توجه به وضعیت گروه‌های اسلام‌گرا، خصوصاً اسلام‌گرایان مولد خشونت است. محور تمرکز پژوهش حاضر تمرکز بر مواجهه با گروه‌های اسلام‌گرا در حوزه نوردیک و مدل خاص امنیتی-سازي است که در این زمینه وجود دارد.

روش: پژوهش حاضر به لحاظ هدف، توسعه‌ای است و به دنبال باز کردن فضای تحلیلی - تبیینی در خصوص مناسبات دوجانبه نوردیک - گروه‌های اسلامی، به صورت هنجاری - امنیتی است. همچنین این پژوهش به لحاظ روش، توصیفی - تبیینی است. نهایتاً این پژوهش به لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و بر اساس نیازمندی، به منابع کتابخانه‌ای از جمله کتب، مقالات علمی و ... استناد خواهد کرد.

یافته‌ها: تعارض هنجارهای هویت‌ساز دولت رفاه نوردیک از جمله نوع خاص دولت ملت‌سازی، هنجار دولت رفاه، برابری جنسیتی، و جهانی‌شدن با هنجارهای هویت‌ساز گروه‌های اسلامی از جمله حاکمیت الهی، امت و جهاد سبب به وجود آمدن نوع خاصی از نقشه امنیتی - سیاسی در حوزه نوردیک شده است. این پژوهش بدین نحو سازمان‌دهی شده است که هنجارهای بنیادین جامعه نوردیک و هنجارهای هویت‌ساز گروه‌های اسلامی پژوهش می‌شود و سپس گذار نوردیک به سمت مدل ادغام اجتماعی با جنس خاصی از امنیتی‌سازی گروه‌های اسلامی به‌عنوان نقشه امنیتی این جوامع بررسی خواهد شد.

نتیجه‌گیری: اگرچه سیاست‌های مشترکی در منطقه نوردیک در خصوص تعامل وجود دارد، با این حال برآیند مواجهه هنجاری نوردیک - اسلام‌گرایی، الزاماً تعامل نبوده و از سیاست‌های حذف و طرد اجتماعی، گرفته تا ممانعت از رادیکالیزه کردن خشونت و استراتژی ادغام اجتماعی را در برمی‌گیرد.

واژگان کلیدی: نوردیک، نقشه امنیتی، گروه‌های اسلامی، هنجارسازی، اروپا.

۱. مقدمه

یکی از اثرات مستقیم جهانی شدن، شکل‌گیری نظام اجتماعی چندفرهنگی در جوامع دموکراتیک بوده است. فلسفه چندفرهنگی نظام اجتماعی با پدیده پذیرش اجتماعی گروه‌های قومی، مذهبی، اقلیت‌ها و به حاشیه رفته‌ها در متن جهان اجتماعی و فرهنگی همراه بوده و نتیجه آن الگوی ادغام و ترکیب اجتماعی و تقویت جامعه مدنی است؛ بنابراین، آنچه مشخص است اینکه تفاوت فرهنگی، نه یک مسئله امنیتی، که یک موضوع اجتماعی محسوب شده و ساختاری از پذیرش دوسویه اجتماعی و فرهنگی تصویر می‌شود؛ بنابراین، در رویکرد چندفرهنگ‌گرا، ضمن وفاداری‌های فرهنگی و قومی، موضوع پذیرش اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد (فی، ۱۳۸۹، ۳۰-۲۵).

جوامع غربی دیرزمانی است با پدیده اقلیت‌های قومی و مذهبی مواجه هستند. وجود اقلیت‌های قومی، مهاجرین، پناه‌جویان، اقلیت‌های مذهبی و ... در این جوامع یکی از مهم‌ترین جلوه‌های سیاست و جامعه در این جوامع محسوب می‌شود. تا قبل از سال‌های دهه ۱۹۷۰، آنچه در این جوامع وجود داشت، تکیه بر ارزش‌های ملی و استقرار ناسیونالیسم ملی بود، اما با حدوث جریاناتی که جهان را به سمت چندفرهنگ‌گرایی، جهانی‌شدن، پیوندهای اجتماعی، ارزش‌های جهانی، ارزش‌های دموکراتیک و بین‌الملل‌گرایی سوق داد، رویکرد اجتماعی و متعاقباً سیاسی دولت‌های اروپایی دست‌خوش تحولاتی به نفع حضور اقلیت‌ها در متن سیاست شد (بیلیس، ۱۳۸۴: ۴۰-۱۶۰).

این موضوع سبب شکل‌گیری نوع خاصی از نقشه امنیتی - سیاسی در هر جامعه متناسب با نقش نیروهای اجتماعی آن جامعه در زندگی امنیتی شده و به همین دلیل هر جامعه‌ای با سایر جوامع تفاوت‌هایی دارد. چنین قاعده‌ای را می‌توان به مناطق نیز تسری داد. این پژوهش با مفروض گرفتن منظر منطقه‌گرایی مکتب کپنهاگ، مناطق را الزاماً جغرافیایی تلقی نمی‌کند، بلکه آن‌ها را هویت و ساخت اجتماعی بر ساخت می‌کند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۳۰-۲۴۴) و با بررسی وضعیت گروه‌های اسلام‌گرا در کشورهای اروپائی، نقشه امنیتی این کشورها را تصویر می‌کند.

الگویی که می‌توان در خصوص اروپا به‌طور کلی برشمرد، از چهار نقشه امنیتی تشکیل شده است، اروپای آنگلو ساکسون، اروپای کانتیننتال، اروپای مدیترانه‌ای، و اروپای نوردیک؛ بنابراین، اگرچه این تقسیم‌بندی، دارای ظاهری جغرافیایی است، اما معیار این تقسیم‌بندی، جغرافیایی نیست. وجه معرف در این تقسیم‌بندی منطقه‌ای، موضوع توسعه و تشابه ماهیت حکمرانی است؛ بر ساختی مهم‌تر از مسئله جغرافیایی. محور تمرکز پژوهش حاضر تمرکز بر مواجهه با گروه‌های اسلام‌گرا در حوزه نوردیک و مدل خاص امنیتی‌سازی است که در این زمینه وجود دارد.

سؤال پژوهش حاضر این است که تقابل هنجارهای جامعه نوردیک و اسلام‌گرایان، چگونه نقشه نوین امنیتی نوردیک را صورت‌بندی کرده است؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه این پژوهش این

است که تعارض هنجارهای هویت‌ساز دولت رفاه نوردیک از جمله نوع خاص دولت ملت‌سازی، هنجار دولت رفاه، برابری جنسیتی، و جهانی‌شدن با هنجارهای هویت‌ساز گروه‌های اسلامی از جمله حاکمیت الهی، امت و جهاد سبب به وجود آمدن نوع خاصی از نقشه امنیتی - سیاسی در حوزه نوردیک شده است، البته براینکه این معارضه نه سیاست‌های حذف و طرد اجتماعی، بلکه ممانعت از رادیکالیزه کردن خشونت و استراتژی ادغام اجتماعی بوده است. این پژوهش بدین نحو سازمان‌دهی شده است که با استفاده از چهارچوب نظری سازه‌انگاری و مطالعات هنجاری در روابط بین‌الملل، هنجارهای بنیادین جامعه نوردیک و هنجارهای هویت‌ساز گروه‌های اسلامی در حوزه نوردیک را پژوهش می‌کند و نهایتاً گذار نوردیک به سمت راهبردهای ادغام اجتماعی، با جنس خاصی از امنیتی‌سازی گروه‌های اسلامی به‌عنوان نقشه امنیتی این جوامع را بررسی خواهد کرد.

۲. چهارچوب نظری؛ سازه‌انگاری؛ انگاره‌ها، هنجار، رفتار و هویت

نزدیک‌ترین چهارچوب نظری برای تشریح نحوه شکل‌گیری انگاره‌ها و تبدیل‌شدن آن‌ها به هنجارها، تبدیل‌شدن هنجارها به رفتارها و نهایتاً تبدیل‌شدن رفتارها به هویت‌ها چهارچوب نظری سازه‌انگاری و ساختاربندی است. این نظریه به‌واسطه اهمیتی که به نظام معنایی و هنجارسازی می‌دهد، می‌تواند در صورت‌بندی شکل‌گیری هنجارهای نوردیک و هنجارهای اسلام‌گرایانه از یک‌سو و تبدیل‌شدن آن‌ها به استراتژی‌ها و رفتارهای این دو نظام معنایی کمک کند

بر اساس آموزه‌های مکتب سازه‌انگاری، یا آنچه آنتونی گیدنز و جامعه‌شناسانی شبیه به پارکر از آن تحت عنوان ساختاربندی یاد می‌کند (پارکر، ۱۳۸۳)، نظام معنایی برساختی از تعامل دوطرفه بین ساختار اجتماعی از یک‌سو و کنشگر اجتماعی از طرف دیگر است (بر اساس آرای گیدنز در علوم اجتماعی، و ونت در روابط بین‌الملل). بر اساس این چهارچوب فکری، افراط در قاموس اسلام سیاسی، یک ساخت معنایی است. اگر به افراط به‌عنوان یک نظام معنایی توجه داشته باشیم و قائل به ارتباط مجموعه مناسبات معنایی در یک نظام معنایی باشیم، بایستی به این مسئله اشاره کنیم که در تعامل با هم به صورت مشترک یک نظام معنایی مشترک ایجاد می‌شود.

سازه‌انگاری به‌عنوان جریان فکری که چنین بستر ذهنی را نمایندگی می‌کند، یکی از مکاتب بسیار تأثیرگذار در جریان فکری اندیشمندان خصوصاً در حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی و مطالعات روابط بین‌الملل است، و تأثیرگذاری نظام یا سازه معنایی در شکل دادن به یک هویت، هنجار و رفتار را مطالعه و پژوهش می‌کند (ونت، ۱۳۹۵: ۵۰).

برای مثال درحالی‌که در روابط بین‌الملل، مرز اصالتاً به‌عنوان یک سازه فیزیکی شناخته شده است، سازه‌انگاری بر برساخت مرز به‌عنوان یک ساخت اجتماعی تأکید می‌کند. ساخت اجتماعی

واقعیت، باورها و معانی بین دو کنش گر یا چند کنشگر است که از مجموعه مناسبات بین دو کنشگر برداشت یا برساخت مشترکی به وجود می‌آورد. ساخت معنایی، کنش معنایی جدیدی ایجاد می‌کند. در این پارادایم مرزها آن چیزی هستند که ساخته می‌شوند. مرز به وجود نمی‌آید مگر اینکه مناسبات و مراودات و کنش و واکنش ذهنی پیرامون آن وجود داشته باشد، سیم‌خاردار را می‌توان از بازار نیز خرید، رودخانه‌ها در داخل کشور هم هستند، اما آن چیزی که سبب می‌شود که سیم‌خاردار داخل بازار، مرز نباشد، ساخت معنایی و مفهومی به نام مرز است؛ همین ساخت معنایی یکی از کلیدی‌ترین عناصر روابط بین‌الملل، را برساخت می‌کند.

سازه‌انگاری در این خصوص بحث می‌کند که کنش و واکنش بین بازیگران چگونه تبدیل به توقع مشترک می‌شود و این توقع مشترک چگونه پیش‌زمینه‌ای برای ساخت یک باور مشترک است؛ بنابراین، آنچه در حد نهایی همه فعالیت‌های یک کشور، قرار می‌گیرد، آن سیم‌خاردار نیست که در بازار به فروش می‌رسد، بلکه آنچه در منتهاالیه سرزمینی یک کشور قرار می‌گیرد و این فهم را به وجود می‌آورد که تجاوز از آن سیم‌خاردار تجاوز به تمامیت سرزمینی کشور دیگر محسوب می‌شود، همان ساخت مفهومی و معنایی است که نسبت به سازه‌ای به نام «مرز» وجود دارد؛ بنابراین، سازه‌انگاری مرز را یک باور مشترک می‌داند. نه تنها مرز، بلکه سایر ساخت‌ها و هویت‌های بشری و اجتماعی هم ساخت معنایی هستند. بر این اساس، آنارشی، دولت، مرز و دیگر ساخت‌های اجتماعی آن چیزی هستند که ما آن‌ها را می‌فهمیم (تعبیر الکساندر ونت از آنارشی، ر.ک: wendt, 1992: 391-425 و ونت، ۱۳۹۵)، به این معنا که ما چیزهایی را به‌عنوان واقعیت‌های فیزیکی می‌شناسیم که در حوزه نظام معنایی به رسمیت شناخته باشیم.

بر این اساس واقع‌گرایان نمی‌توانند درک کنند که واقعیات چگونه ساخته شده است، آن‌ها صرفاً بر اساس واقعیات تجربی و اثباتی بیان می‌کنند که واقعیات چیست، آن‌ها فقط امر تجربی و تجربه را مفصل‌بندی می‌کنند، آنچه در عالم فیزیکی اتفاق افتاده است را ریخت‌بندی کرده و تحت عنوان واقع‌گرایی از آن صحبت می‌کنند، در این چهارچوب، واقع‌گرایی اساساً کار تئوریک انجام نمی‌دهد، امری عادی است که انسان‌های عادی نیز آن‌ها را درک کرده‌اند. سازه‌انگاری ادعا دارد واقعیات را معطوف به باورها، اصول مسلم ذهنی و مفروضات می‌فهمد.

ساختارهای معنایی برای پنداری از طرح‌های ذهنی هستند و سبب می‌شوند در یک جامعه یک شیوه تفکر ساخته شود، شیوه تفکری که با جامعه دیگر متفاوت، و در همان جامعه نیز در یک بازه زمانی نسبت به بازه زمانی دیگر متفاوت است، آنچه سازه‌انگاری را به‌عنوان یک نظریه مستحکم تبدیل کرده است، توان توضیح نظام معنایی، باورها و برداشت‌ها در ساخت واقعیت است.

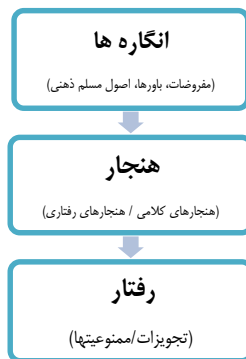
در اندیشه سازه‌انگاری، سازه اجتماعی، یعنی باورها، ایدئولوژی، طرح‌های معنایی و ... به‌اندازه واقعیات‌های اجتماعی اهمیت دارد. طرز تفکر یا طرز تلقی یکی از مهم‌ترین پایه‌های ساختار پنداری جامعه است. در کنار این‌ها باورهای معنایی، طرح‌ها و ایدئولوژی بسیار اهمیت دارد. ساختار

معنایی یا ذهنی شدیداً بر هویت کنشگر تأثیر می‌گذارد و به واسطه همین تأثیرگذاری، بر رفتار کنشگران اثر می‌گذارد. ساختارهای ذهنی، مجموعه‌ای از باورها، برداشت‌ها، طرح‌های کلی ذهنی، نظام معنایی و ایدئولوژیک هستند که در افراد، جوامع، دولت‌ها، کشورها و ساختار جهانی وجود دارند. این‌ها شبیه به ساختارهای مادی یکی از بنیان‌های محکم جوامع کنونی محسوب می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۸۴).

ساختارهای ذهنی تأثیر عمده‌ای بر هویت و متعاقباً بر رفتار دارند. با یک واسطه، ساختار ذهنی عامل شکل‌گیری رفتار است. برخلاف واقع‌گرایان که رفتار را به صورت مستقیم ناشی از کنش کنشگران می‌دانند، در سازه‌نگاری، باورها، تصورات، نظام معنایی و طرح‌های ذهنی، عامل شکل دادن به هویت محسوب می‌شوند و هویت عامل شکل دادن به رفتار قلمداد می‌شود. پس تنها عامل شکل دادن به رفتار، قدرت نیست (هادیان و گل محمدی، ۱۳۸۳: ۲۷۳).

این باورها، مفروضات، طرح‌های کلی و نظم معنایی در نظام ذهنی و معنایی کارگزار تبدیل به حقایق اصلی می‌شوند. بر اساس همین ارزش‌ها، هنجارها و باورها، سازه‌های گفتاری و رفتاری و بعد سازه‌های فیزیکی شکل می‌گیرند که سبب می‌شوند کنشگران، تحت عنوان هویت خاص مشخص شوند. نظام معنایی به‌طور کلی از اساسی‌ترین جلوه‌ها یا عوامل تأثیرگذار و شکل‌دهنده به کنش کنشگران یا عمل یا رفتار آن‌ها محسوب می‌شود (ونت، ۱۳۹۵؛ مشیرزاده، ۱۳۸۴).

شکل‌گیری مفروضات بر اساس طرح‌های کلی ذهنی، اصول مسلم و متعاقباً تبدیل شدن مفروضات به هنجارهای کلامی (نیمینگ و شیمینگ) و بعد از آن تبدیل این هنجارها به هنجارهای رفتاری موضوعی است که در نحوه شکل‌گیری هنجار و هنجارسازی بسیار دخیل است. انگاره‌ها، اصول ذهنی، مفروضات، ایدئولوژی و ... از نظام معنایی به قواعد هنجار تبدیل و بعد از آن تبدیل به رفتار می‌شوند.



شکل ۱. سیر تبدیل انگاره‌ها به هنجار و رفتار

۳. ساختار نظام معنایی و هنجاری نوردیک

برای فهم ساختار نظام معنایی نوردیک از اسلام، بایستی به تعامل دوجانبه مجموعه‌ای از باورها، مفروضات، طرح‌های کلی ذهنی و اصول مسلم هر یک از نظام‌های معنایی دوگانه نوردیک و اسلام اشاره کنیم. مجموعه‌ای از ساخت‌های اجتماعی، بنیان‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در حوزه نوردیک که سبب شده‌اند تا ساخت اجتماعی از واقعیت‌ها در حوزه نوردیک صورت‌بندی شود. این ساخت اجتماعی برآیندی از هنجارها و هویت‌هایی است که هم کارگزار و هم ساختار نظام اجتماعی در آن تأثیرگذار بوده است. برای فهم ساختار نظام اجتماعی توجه به مدل خاص نظام اجتماعی در کشورهای نوردیک اجتناب‌ناپذیر است.

در اروپای حوزه نوردیک، مدل توسعه‌یافتگی متأثر از دولت رفاه سوسیال‌دموکرات و در ارتباط مؤثر با نوع دموکراسی کورپوراتیستی آن است. البته این‌همانی این کشورها در حوزه توسعه در ساخت «اسلام امنیتی» مشاهده نمی‌شود؛ در این خصوص تفاوت‌هایی بین کشورهای این منطقه وجود دارد؛ اسلام امنیتی سوئد و دانمارک مدل نامتوازن (طرد اسلام‌گراها و ممانعت از جذب فرهنگی آن‌ها در نظام اجتماعی)، اسلام امنیتی فنلاند مدل متوازن (توازن بین اسلام‌گراها و تلاش برای پیوند فرهنگی آن‌ها) است. با این حال مواجهه کشورهای نوردیک در قبال اسلام، در یک حوزه مشترک است و آن امنیتی‌سازی دسته‌جمعی است. در این پژوهش تلاش می‌کنیم ساختار نظام معنایی نوردیک را در تعامل دوطرفه بین هنجارهای نوردیک از یک سو و هنجارهای اسلام سیاسی امنیتی از سوی دیگر بررسی کنیم.

۴. هنجارهای نوردیک

در بستر نوردیک، هر تلاشی برای فهم امنیتی‌سازی گروه‌های اسلام‌گرا، بایستی با درک و فهم نسبت به هنجارهای نوردیک از جمله «مسئله دولت‌سازی» و «مدل خاص عرفی‌سازی جامعه» فهم شود. در بحث عرفی‌سازی می‌بایست ساختار و جامعه‌شناسی تاریخی «دولت رفاه نوردیک» و نحوه شکل‌گیری و چگونگی تغییر آن در دهه‌های اخیر تا روندهای متأخر شکل‌گیری نیروهای نئولیبرال جهانی را در نظر گرفت. همچنین سامان اجتماعی در این جوامع شدیداً متأثر از «جهانی‌شدن»، نوع خاصی از رفتار را در نوردیک صورت داده است.

۴-۱. دولت‌ملت‌سازی بر اساس الگوی ارزشی نوردیک

پارادایم ملت‌سازی در نوردیک بی‌توجه به فرهنگ و تغییرات حوزه دین قابل فهم نیست. بر اساس آرای اسمیت، یک ملت «جمعیت انسانی است که یک سرزمین تاریخی را اشغال می‌کند و اسطوره‌ها، حافظه، فرهنگ عمومی مشترک و آداب و رسوم مشترک برای همه اعضا را به اشتراک

می‌گذارد» (Smith, 2003: 24). در این تعریف از ملت، «الگوی ارزشی» بسیار اهمیت دارد. اینکه چه عناصر هویتی الگوی ارزشی یک ملت را تشکیل می‌دهد، و یک جمعیت انسانی ساکن در یک سرزمین تاریخی، چگونه حامل الگوهای ارزشی می‌شوند، در این موضوع که ملت، چگونه تعریف می‌شود، تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. همین مسئله است که تعریف هویت ملی را حائز اهمیت فراوان می‌کند.

در این چهارچوب ملت با هویت و الگوی ارزشی معرف این هویت تعریف می‌شود، یعنی - نگهداری و بازتفسیر مداوم الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز ملت و شناسایی افراد با آن میراث و الگوی آن را تشکیل می‌دهد (Smith, 2003:24) (5). اسمیت دین را به‌عنوان منبع هویت ملی تعریف می‌کند. این امر به‌ویژه در بسترهای قرون وسطی مشخص است.

نظم کالمار که تجلی آن در اتحادیه کالمار (۱۵۲۳-۱۳۹۷) متبلور بود، نظمی موناشرسی و وابسته به منافع پادشاهی بود، منافعی که در پیوند وثیق با امپراتوری مقدس روم و کلیسای کاتولیک رم بود، محورهای کانونی این نظم، دو رکن پادشاهی و کلیسا بود. پادشاهی دانمارک (با گرینلند)، نروژ (با ایسلند و فارو، شیلند و جزایر ارکنی) و سوئد (با فنلاند) از یک طرف و کلیسای مقدس لوند، کلیسای مقدس اویسالا و کلیسای مقدس تروندهیم. جنبش اصلاحات (شروع ۱۵۱۷)، نقطه شروعی برای ترک برداشتن این نظم کالمار بود.

در پروژه دولت ملت‌سازی چند جنبش تأثیرگذار در حوزه نوردیک دخیل بوده‌اند که نقش تعیین‌کننده‌ای بر شکل‌گیری دولت ملت نوردیک داشته‌اند: نخست جنبش اصلاحات که منجر به از میان رفتن اتحادیه کالمار و از بین رفتن نظم فدرالی و شهرنشینی و تجاری شدن اقتصاد شد. این جنبش جلوه‌ی لوتری به دولت ملت نوردیک بخشید.

نهضت دیگر، نهضت جداسازی قدرت از طبقه موناک و احاله مسئولیت به شاهزادگانی بود که بعد از وستفاليا بر سرزمین، مردم و مذهب مستولی شدند. نهضت حقوق مدنی، دیگر جنبش اجتماعی بود که جایگاه شهروندی را با جایگاه مذهب تعویض کرد، این جنبش توانست ناسیونالیسم قومی و مذهبی را تبدیل به ناسیونالیسم مدنی کند. ناسیونالیسمی که در آن «شهروندان می‌بایست قادر باشند تا حرکت کنند و بین کشورها تجارت کنند و دارایی و سرمایه آن‌ها از گزند دولت بایستی محافظت شود» (Sassen, 2006: 76-82).

نهضت دیگر، نهضت اجتماعی شدن سلطنت بود، این نهضت توانست مانع از انقلاب اجتماعی شبیه به انقلاب فرانسه شود. پادشاهان با همراهی اشراف و از طریق کلیسا خدمات اجتماعی را به شهروندان تسری دادند و در اینجا کلیسا محلی برای آموزش همگانی و اعطای حقوق مدنی معرفی شد.

نقطه عطف دیگر در شکل‌گیری دولت ملت نوردیک، روند استقلال ملی و جنبش قانون اساسی بود. حوزه نوردیک تا اوایل قرن نوزدهم هنوز هم متأثر از میراث نظم کالمار، به صورت پادشاهی‌های مشترک‌المنافع اداره می‌شد. نمونه آن نیز سوئد (با فنلاند)، دانمارک (با نروژ) بودند. با شروع روند سلطنت‌زدایی، نسل جدیدی از دولت - ملت‌ها (با تمرکز بر قوانین اساسی - مشروطه‌خواهی) در این کشورها رونق گرفت. روند استقلال ملی با شکست سوئد از روسیه در سال ۱۸۰۹ و الحاق فنلاند به روسیه به‌عنوان غنیمت جنگی شروع شد و با جدایی نروژ از دانمارک به دلیل شکست در جنگ‌های ناپلئونی (دانمارک و فرانسه جزو طرف‌های ناکام این جنگ‌ها بودند و پیمان صلح وین بعد از این جنگ‌ها به سوئد که جزو اطراف پیروز بود این امکان را داد که نروژ را در اتحادیه خود تعریف کند) تسریع داده شد. با این حال نروژ در سال ۱۸۱۴ قانون اساسی جدید خود را ذیل اتحادیه پادشاهی سوئد تصویب کرد. اتحادیه‌ای که تا سال ۱۹۰۵ و تا زمان استقلال کامل نروژ ادامه یافت. فنلاند نیز تا سال ۱۹۱۷ به‌عنوان دوک‌نشین روسیه بود و در این زمان به استقلال کامل رسید (Ingebritsen, 2006: 28).

نهضت دیگر، نهضت محروم‌سازی کلیسای لوتری از آزادی و تغییر کیش بود که تا اواخر قرن بیستم نیز ادامه داشت. در سوئد تغییر کیش از کلیسای دولتی لوتری در سال ۱۸۶۰ قانونی شد، مشروط به اینکه یک نفر وارد جماعت مذهبی دیگری شود.^۱ در سال ۱۹۵۶ سوئد روند از آزادی محروم کردن^۲ کلیسای دولتی را آغاز کرد که در سال ۲۰۰۰ عملی شد^۳ (Andersen et al. 2003: 12).

بعد از این و در نیمه اول دهه ۱۹۰۰ نهضت خروج آموزش عمومی از انحصار کلیسای لوتری و از دست دادن وظیفه آموزش‌های پایه‌ای و قرار گرفتن این وظیفه در دستان بخش‌های دولتی و سکولار شدن پروژه آموزش کلید زده شد. از آن زمان به بعد، هویت لوتری ملت‌ها به‌طور رسمی در معرض جدال و جنجال قرار گرفته است.

بنابراین، الگوی لوتری همزیستی دولت - کلیسا با نهضت قوانین اساسی، نهضت کلیسای آزاد، جنبش حق رأی، حقوق و آزادی‌های مدنی، نهضت محروم‌سازی کلیسا، همگام شد تا روند دولت ملت‌سازی رنگ خاصی را در نوردیک به خود بگیرد، به‌نحوی که بخش فراوانی از پروژه ملت‌سازی نوردیک در پیوند با دین و آئین لوتری بوده است، و این پروژه ملت‌سازی تا همین اواخر و تا ابتدای قرن بیستم و یکم نیز ادامه داشته است.

۱. طبق کنوانسیون جدید اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۹)، تا سال ۱۹۵۱ شهروندان نمی‌توانستند از آزادی مذهبی بدون از دست دادن شهروندی خود برخوردار شوند.

۲. Disestablishing

۳. Effectuated

۴-۲. هنجار دولت رفاه بر اساس الگوی ارزشی لوتریانسیم

هنجار دولت رفاه یکی از تصویرسازی‌های (برندینگ) مهم از هویت ملی و الگوی ارزشی نوردیک محسوب می‌شود. یکی از اتهاماتی که به کلیسای کاتولیک وارد بود، این بود که این کلیسا نه تنها اموال و زمین‌های بسیاری دارد، بلکه کمکی نیز به فقرا از این منبع نمی‌کند. شاید نقطه شروع دولت رفاه نوردیک همین بزنگاه بود، اصلاحات بر آن بود که کلیسای کاتولیک که موظف به رفع مشکل فقرا به عنوان مسئولیت اصلی خود است و به همین دلیل زمین‌های بسیاری را از آن خود کرده است، به مسئولیت خود عمل نمی‌کند. با اصلاحات، کلیسا در اختیار شاهزادگان قرار گرفت. مصادره زمین‌های کلیسا توسط شاهزادگان دانمارکی و سوئدی آن‌ها را به این سمت روانه کرد که مسئولیت نهایی خود در خصوص فقرا را از مسیر کلیسا انجام دهند (Pestoff, 2004: 67-69). همین مسئولیت بود که بنیان‌های دولت رفاه نوردیک را پی‌ریزی کرد. در حالی که اصلاح دموکراتیک دهه ۱۸۰۰ بنیاد دولت‌های مدرن نوردیک را تشکیل داد، این رشد بعد از ۱۹۴۵ بود که دولت رفاه مشهور را توانمند ساخت. دولت رفاه می‌تواند بر اساس مسئولیت نسبی که به بازار، جامعه مدنی، و ارائه خدمات اجتماعی دارد طبقه‌بندی شود، چنانکه در مدل لیبرال اسپینگ - اندرسون، دولت رفاه فراگیر و کورپوراتیست از مدل رفاه لیبرال متفاوت بوده است. در مدل فراگیر یا نوردیک نقش اساسی به عنوان تأمین‌کننده خدمات اجتماعی برای دولت تعریف می‌کند. مزایا در سطح فردی تعریف می‌شوند، با این حال تفاوتی‌هایی بین کشورهای نوردیک وجود دارد که وابسته به تاریخ بازار کار انحصاری هر دولت است. در این سیستم، منابع مالی اصلی، مالیات‌ها و دستمزدها هستند.

دولت رفاه نوردیک از جنگ جهانی دوم، بعد جدیدی را به خود افزوده و آن «فراگیری»^۱ است. از این زمان به بعد تلاش دولت رفاه بر این بوده تا نابرابری درآمدی را در سطح گسترده‌ای از بین برد و برابری را به عنوان یک موضوع فراگیر و عمومی تبدیل به یک الگوی ارزشی در جامعه کند.

در این مدل، آرمان‌های برابری اجتماعی، همبستگی ملی و استقلال فردی، شبیه به دست نامرئی آدام اسمیت قدرت انتفاعی دولت را تقویت می‌کنند؛ یک قرارداد اجتماعی که عمیقاً مدل دولت رفاه را با مدل رفاه لیبرال آنگلو ساکسون و مدل اروپای کانتیننتال متفاوت می‌کند. علاوه بر این مدل دولت رفاه نوردیک با نوع خاصی از کورپوراتیسم نیز عجین شده است. رابطه بین دولت و فرد نیز در مدل جامعه مدنی نوردیک بازتاب یافته است. در این مدل در حالی که بهداشت، مدرسه و آموزش عالی و کار اجتماعی به طور سنتی مسئولیت دولت معرفی شده است، ورزش و اوقات

۱. Universality

فراغت، فرهنگ، تعاونی‌های مسکن، سازمان‌های مصرف‌کننده و آموزش بزرگ‌سالان به وسیله انجمن‌ها سازمان‌دهی شده است.

در این نوع کورپراتیست دولت رفاه، انجمن‌ها به‌عنوان بخش جدانشدنی از جامعه مدنی، روبروی دولت نیستند (برخلاف مدل آنگلو ساکسون جامعه مدنی)، بلکه این انجمن‌ها مستمراً با دولت همکاری می‌کنند تا «منافع مردم عادی» در کارزار مقابله با «بروکرات‌ها، روحانیون، آریستوکرات‌ها و سرمایه‌داران» حراست کنند.

دولت رفاه نوردیک مشهور به دولت هزینه‌های اجتماعی است. خصوصاً با تحولات دهه ۱۹۵۰-۱۹۷۰ هزینه‌های این دولت بسیار بالا رفت. همین موضوع عامل اختلاف بین دولت رفاه نوردیک با دولت رفاه لیبرال است. رفاه لیبرال هزینه آموزش، مهدکودک، بیمه، بازنشستگی و ... را بر عهده افراد و جامعه مدنی قرار می‌دهد، دولت رفاه در دهه‌های اخیر، دائم بر فرایند افزایش هزینه‌های اجتماعی افزوده است. این روند در سال‌های انتهایی دهه ۱۹۸۰ رو به تنزل نهاد و دولت به سمت خصوصی‌سازی ارائه خدمات اجتماعی حرکت کرد. با این حال این به معنی تئولیرال شدن دولت رفاه نوردیک نیست. تفاوت در این افزایش نقشی است که در خصوص جامعه مدنی و انجمن‌ها صورت گرفته است. انجمن‌ها در حال ارائه خدمات رفاهی هستند که تا پیش‌ازین دولت آن را برعهده گرفته بود.

این موضوع به همراه رشد کندتر اقتصادی کاهش یافت؛ تغییرات ایدئولوژی به سمت راست؛ امید به زندگی طولانی‌تر و فرزندان کمتر؛ افزایش تعداد نیازها به مهدکودک به این دلیل که تعداد بیشتری از زنان به دلیل شرایط مساوی با مردان به نیروی کار پیوستند؛ دوره‌های طولانی‌تر تحصیل و آموزش متناسب با سال‌ها کار تولیدی؛ و تغییرات ناشی از اقتصاد جهانی شده.

۴-۳. برابری جنسیتی بر اساس الگوی ارزشی جامعه مدنی

یکی از مهم‌ترین هنجارهای نوردیک، هنجار «برابری جنسیتی» است. برابری جنسیتی ارزش ملی و مرتبط با هویت ملی نوردیک است. مشارکت زنان، مراقبت از زنان، برابری فرصت‌ها و ... جزو الگوهای ارزشی و رفتاری نوردیک بوده که منتج از همین هنجار «برابری جنسیتی» است. ارزش ملی برابری جنسیتی به‌قدری در حوزه نوردیک، درونی و نهادینه شده که من از آن به برابری معکوس یاد می‌کنم. منظور از «برابری معکوس»، این است که گفتمان غالب در نوردیک بر این موضوع متمرکز نیست که «چگونه زنان بایستی با مردان در فرصت‌های اشتغال و ... برابر باشند»، مسئله این است که مردان در ایفای تکالیف اجتماعی «چگونه می‌توانند برابری را تحکیم کنند». برای مثال، می‌توان به اعطای مرخصی زایمان به مردان نوردیک اشاره کرد. این موضوع دیگر تبدیل به یک هنجار شده است که به والدین مرخصی ۱۸ ماهه برای زایمان اعطا می‌شود. هنجار دیگر، استقلال اقتصادی زنان و مفهوم‌سازی اجتماعی و قانون‌سازی حقوقی جدید در

خصوص آن است. هنجار جنسی دیگر در نوردیک مربوط به قانونی سازی حقوق و نهادسازی برای پیگیری این حقوق در حوزه عمومی است.

۴-۴. جهانی شدن و مهاجرت

جهانی شدن و مهاجرت جزو هنجارهای جدید جامعه نوردیک محسوب می شوند (Rahmati, 2019a: 103-124). اگر سه هنجار پیشین، ریشه‌ای در تاریخ تحول مفهوم دولت، ملت و انسان در نوردیک دارند، این دو هنجار، بر اساس مواجهه جوامع نوردیک با پدیده‌های نوظهور ایجاد شده است. انقلاب اطلاعات و فن آوری نوین شبکه‌ای نیز جزو ارزش‌های ملی جدید در حوزه نوردیک بوده است، جوامع نوردیک مستمراً خود را با فرایندهای جهانی ارزش‌های دموکراتیک هنجاری کرده‌اند. حکمرانی جدید جهانی با توجه به شرکت‌های چندملیتی شبیه به ایکائو، ولوو، اریسکون، و ... از جمله این فرایندهای جدید جهانی شدن هستند. یکی از ابعاد مهم جهانی شدن، مهاجرت است.

در چهار دهه اخیر کشورهای نوردیک به دلیل افزایش سطح رفاه عمومی، صنعتی سازی فزاینده و نیاز به جذب نیروی کار، ارتقای ارزش‌های تکثرگرا، دموکراتیک سازی نهادهای اجتماعی و از همه مهم تر، راهبرد جذب و ادغام اجتماعی، به سیاست پذیرش مهاجران روی آورده است. از دهه ۱۹۷۰ (در فنلاند از دهه ۱۹۹۰) کشورهای نوردیک شمار فراوانی از مهاجران امریکای لاتین، آسیا، آفریقا و جمهوری‌های شوروی سابق را پذیرفتند. تا سال ۲۰۱۰، ۱۴٫۱ درصد از جمعیت سوئدی متولد خارج از کشور بودند، در نروژ ۱۰ درصد، در دانمارک ۸٫۸ درصد و در فنلاند ۴٫۲ درصد (UNPD 2010).

طبق داده‌های کمیساریای عالی پناهندگان، در سال منتهی به ۲۰۱۶، سوئد با داشتن ۹۹۹۵۲۰۰ نفر جمعیت، تعداد ۸۳۱۰۳ پناهجو داشته است که از این میان ۲۶۷۷۵ نفر در سال ۲۰۱۷ تحت حمایت قرار گرفته‌اند، همچنین ۲۳۰۱۶۴ مهاجر و ۳۶۰۳۶ بی‌وطن در این کشور ثبت شده است. دانمارک با جمعیت ۵۷۴۸۸۰۰ نفری، ۶۳۳۹ پناهجو داشته است که از این میان ۲۳۶۵ نفر در سال ۲۰۱۷ تحت حمایت قرار گرفته‌اند، همچنین در این کشور ۳۳۵۰۷ مهاجر و ۷۶۱۰ بی‌وطن ثبت شده است. فنلاند با ۵۵۰۳۳۰۰ نفر جمعیت، ۵۶۰۰ پناهجو داشته است که از این میان ۳۴۳۰ نفر در سال ۲۰۱۷ تحت حمایت قرار گرفته‌اند، همچنین ۱۸۴۰۱ مهاجر و ۲۶۷۱ بی‌وطن در این کشور ثبت شده است. نروژ با ۵۲۵۸۳۰۰ نفر جمعیت، ۷۵۵۶ پناهجو داشته که از این بین در سال ۲۰۱۷، ۴۷۷۰ نفر تحت حمایت قرار گرفته‌اند، همچنین ۵۹۵۲۲ مهاجر و ۳۲۵۱ بی‌وطن داشته است. ایسلند با ۳۳۸۳۰۰ نفر جمعیت، ۱۶۱ پناهجو داشته است که از این بین ۷۰ نفر تحت حمایت قرار گرفته‌اند، همچنین ۱۷۹ مهاجر و ۱۳۱ بی‌وطن در این کشور ثبت شده است (UNHCR, Overview Northern Europe: 1-9).

نام کشور	سوئد	نروژ	فنلاند	دانمارک	ایسلند
پناهجویان	۲۲۱۹۰	۳۳۵۰	۴۳۲۵	۳۱۲۵	۱۰۶۵
شمار افرادی تحت حمایت قرار گرفته در سال ۲۰۱۷	۲۶۷۷۵	۳۴۳۰	۲۴۳۰	۲۳۶۵	۷۰
پناهندگانی که اسکان داده شده‌اند	۳۴۱۲	۲۷۹۹	۱۰۸۸	۵	۴۷

جدول ۱. مهاجرت به حوزه نوردیک (۲۰۱۶)

سیاست مهاجرت نوردیک بی‌ارتباط با جمعیت در حال پیر شدن جامعه نوردیک نبوده است. با این حال این موضوع سبب شده است تا بخش فراوانی از گروه‌های اجتماعی اثرات منفی اقتصادی مهاجرت را برجسته کنند؛ بنابراین، اگرچه سیاست‌های مهاجرت نوردیک به صورت جدی با ملاحظات بازار کار در پیوند بوده، با این حال تلقی عمومی نسبت به این موضوع ناظر به این است که مهاجرت سبب ایجاد ابعاد منفی اقتصادی شده است. در این دیدگاه، مهاجرت یک اضافه‌بار اقتصادی برای این کشورها تلقی می‌شود. علاوه بر این دیدگاه‌های اجتماعی و فرهنگی در خصوص مهاجرت بر آن است که مهاجرت، عامل فروپاشی الگوی ارزشی جامعه و ارزش‌های مربوط به همبستگی ملی شده است.

در خصوص مواجهه با مهاجران نیز بین چهار کشور اصلی نوردیک یکنواختی کاملی وجود ندارد، بلکه تفاوت‌هایی در این خصوص وجود دارد، برای مثال دانمارک سیاست ادغام کامل با ارزش‌های ملی را دنبال می‌کند در حالی که فنلاند مسیر دوطرفه جذب اجتماعی توسط اکثریت و پذیرش الگوی ارزشی جامعه اکثریت توسط مهاجرین را دنبال می‌کند.

اما، سیاست‌گذاری کلی در اتحادیه اروپا به دنبال «تعامل دوجانبه» و گفت‌وگوی بین فرهنگی است. به عبارت بهتر در اتحادیه اروپا مسیر دوطرفه تعامل متقابل بین گروه‌های مهاجر با پذیرش الگوهای جامعه‌پذیری از یک سو و پذیرش نهادهای برجسته از طرف دیگر وجود دارد (Klausen, 2005: 72-5). با وجود پیروی از الگوی تعامل‌گرای اتحادیه اروپا، کشورهای نوردیک، مسیرهای متفاوت خود در خصوص اقلیت‌ها، مسلمانان و مهاجرین را در پیش کشیدند. سیاست دیرینه دانمارک خصوصاً در مورد گروه‌های مهاجر اسلامی، این بود که ادغام کامل را دنبال کند. بدین نحو که اقلیت‌ها به صورت کامل در فرهنگ و الگوی ارزشی جامعه ترکیب و ادغام شوند. شاید بتوان رویکرد کشورهای نوردیک نسبت به اقلیت‌های اسلامی را در قالب رویکرد کلی نسبت به مهاجرین ارزیابی کرد. رویکردی که با دو جهت‌گیری «فرهنگ محور» و «کار» همراه بوده است. جهت‌گیری فرهنگی بیانگر این است که علی‌رغم سیاست‌های خاص، این جوامع متعهد به تضمین فرصت‌های برابر برای مهاجرین در جامعه هستند. رویکرد «کارمحور» ناظر به ایجاد برنامه‌ریزی اجتماعی و ملی، برابری در مسکن، کار، نظام آموزشی و نظام اداری در خصوص مهاجرین است.



شکل شماره ۲. هنجارهای نوردیک

۵. گروه‌های اسلامی در نوردیک

در خصوص مسلمانان نوردیک دو تقسیم‌بندی کلی را می‌توان ارائه داد؛ نخست، دسته‌بندی بر اساس نسبت با جامعه نوردیک، در این خصوص مسلمانان نوردیک به دو دسته‌بندی جزئی دیگر تقسیم می‌شوند؛ الف، اسلام نسبی؛ در اینجا بحث بر این است که مسلمانان نوردیک عموماً ریشه مهاجرتی دارند؛ دوم، اسلام سببی؛ در اینجا بحث بر این است که بخش اندکی از مسلمانان نوردیک، به سبب تجربه و رابطه‌شان با مسلمانان مهاجر به اسلام تمایل پیدا کرده‌اند. دوم، دسته‌بندی بر اساس جهت‌گیری ایدئولوژیک و جهان‌بینی اسلام؛ مسلمانان نوردیک طیف یکسانی از هویت ایدئولوژیک را تشکیل نمی‌دهند؛ هم اسلام‌گرایان مذهبی، هم ایدئولوژیک و هم جهادی را در برمی‌گیرند.

۵-۱. دسته‌بندی اول؛ دسته‌بندی بر اساس نسبت با جامعه نوردیک

الف) اسلام مهاجرتی یا نسبی؛ مسلمان نوردیک عموماً ریشه مهاجرتی دارند؛ حضور آن‌ها در کشورهای نوردیک به بیش از اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ برنمی‌گردد. بیشتر مهاجران به‌عنوان نیروی کار در نروژ، سوئد و دانمارک در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ استخدام شدند. در فنلاند جمعیت مسلمانان اینک با نام مسلمانان بومی شناخته می‌شوند، آن‌ها تاتارهایی هستند که در سال ۱۸۷۰ در دوره دوک‌نشینی روسیه ساکن شدند. بعد از استقلال فنلاند در سال ۱۹۲۵، اسلام به‌عنوان دین ملی به رسمیت شناخته شد. به دنبال مهاجرت‌های اخیر، مسلمانان فنلاند امروز دارای ملیت‌های مشابه مسلمانان دانمارکی، سوئدی و نروژی هستند (Martikainen, 2009:76-7, 79, 81).

از سال ۲۰۱۵ حوزه نوردیک به‌واسطه هجوم مهاجرین اسلام‌گرا، پذیرای طیف جدید اسلام‌گراها در این جوامع بوده است. با این حال سیاست‌های پذیرش حداکثری، بعد از حملات استکهلم در

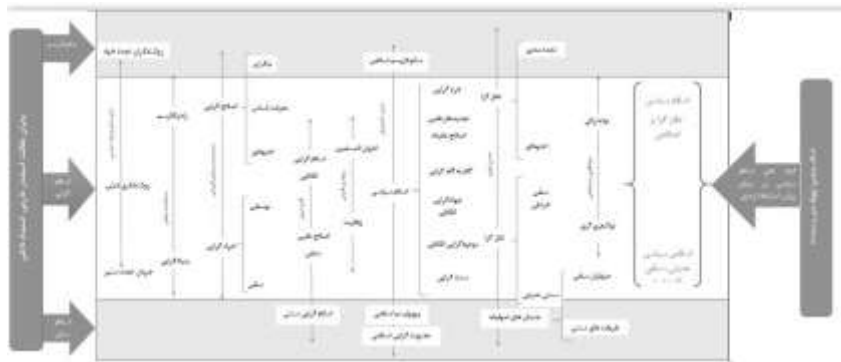
سال ۲۰۱۷ و حمله به کلیسای هلسینکی با ممانعت همراه شد و دولت‌های نوردیک کمتر با تمایلی نسبت به ادغام ایدئولوژی اسلام‌گرایانه همراهی کردند.

ب) اسلام سببی، بخش اندکی از مسلمانان در رابطه با مهاجرین به اسلام گرویده‌اند؛ گرویدن به اسلام نزدیک به ۲,۵ تا ۵ درصد از جمعیت مسلمانان نوردیک را شامل می‌شود. این گروه از مسلمانان به دلیل آشنایی با فرهنگ اکثریت جامعه، نهادها و هنجارهای عمومی، غالباً نقش اصلی را در سازمان‌های اسلامی بر عهده می‌گیرند، حال اگر این گروه زنان باشند، از نفوذ بیشتری نیز برخوردارند. در سوئد، نروژ و فنلاند که کلیه سازمان‌های مذهبی از بودجه عمومی متناسب با میزان و سازوکار عضوگیری بهره‌مند می‌شوند، سازمان‌های اسلامی نیز از بودجه عمومی استفاده می‌کنند. در دانمارک هیچ بودجه عمومی برای سازمان‌های مذهبی غیر از کلیسای ملی، اختصاص داده نشده است، به همین دلیل سازمان‌های مذهبی غیر از کلیسای ملی وابسته به کمک‌های خصوصی هستند. دلیل اینکه سازمان‌های اسلام‌گرای دانمارک از سازمان‌های مشابه خود در سوئد، نروژ و فنلاند، رادیکال‌تر هستند، عدم وابستگی به بودجه عمومی و وابستگی به شبکه بین‌المللی تأمین مالی است.

۵-۲. دسته‌بندی دوم؛ دسته‌بندی بر اساس جهت‌گیری اسلام‌گرایانه و جهان‌بینی اسلامی

جنبش‌های اسلامی البته دارای گونه‌های مختلفی به لحاظ مبانی تفکر سیاسی و روش‌های حصول به هدف هستند؛ بنابراین، صاحب‌نظران حوزه مطالعات جنبش‌های اسلامی هرکدام با استفاده از تعاریف ویژه خود نسبت به طبقه‌بندی آنان اقدام کرده‌اند. کارولین کاکس و جان مارکس در کتاب «غرب، اسلام و اسلام‌گرایی» میان «اسلام» به عنوان یک هویت و «اسلام» به عنوان یک مذهب، «اسلام» به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی تفاوت قائل می‌شود. چه اینکه اسلام به عنوان ایدئولوژی سیاسی اشاره دارد به باورها و اعمال آن دسته از مسلمانانی که در جست‌وجوی استقرار حکومت اسلامی به منظور اجرای احکام اسلام یا برگرفته از قرآن و رفتار و گفتار پیامبر اسلام (ص) هستند و «اسلام‌گرایی» خوانده می‌شود (Cox & Marks, 2003: 5 به نقل از مرادی، ۱۳۹۶). از این پس در این پژوهش از اسلام مذهبی تحت عنوان دعوت‌گرایی یاد می‌شود که بعدها توسط ابو محمد المقیدسی وارد ادبیات سلفی‌ها در القاعده و سایر سازمان‌های اسلامی، شد (Malka & Lawrence, 2013: 2 به نقل از مرادی، ۱۳۹۶) و از اسلام‌گرایی و جهاد تحت یک عنوان بهره برده خواهد شد.

جنبش‌های اسلامی را به‌مثابه یک نهضت دینی-سیاسی از منظر قرائت و برداشت آن‌ها از اسلام در عرصه سیاسی و در عنایت به افکار و عملکردشان در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره به گروه‌های مختلف و متعدد می‌توان دسته‌بندی کرد (مرادی، ۱۳۹۷). در اینجا برای رعایت خلاصه‌نویسی ضمن اجتناب از توضیحات، انواع تقسیم‌بندی‌هایی که متفکران گوناگون صورت داده‌اند در قالب شکل شماره ۳ می‌آید.



شکل ۳. جمع‌بندی نظرات مختلف درباره گونه‌شناسی جنبش‌های اسلامی

با این توضیحات و طبقه‌بندی‌های مختلفی که از جریان‌های اسلامی صورت گرفته است می‌توان این جمع‌بندی را ارائه کرد که جنبش‌های اسلامی در قالب عناوینی چون اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی قابل‌تعریف هستند که به‌طورکلی در برابر جریان‌ات غرب‌گرا قرار می‌گیرند، زیرا در مواجهه با دو چالش جدی این دوران، یعنی انحطاط و عقب‌ماندگی داخلی و تهاجم غربی به وجود آمده‌اند و تلاش می‌کنند تا نوعی نگرش سیاسی مبتنی بر اسلام را ارائه دهند (مرادی، ۱۳۹۷).

۵-۲-۱. دعوت‌گرایان و هنجار ادغام اجتماعی

این گروه از اسلام‌گرایان بر آن هستند که همان‌طور که در کشورهای شمال آفریقا نظیر تونس «ابو الیاض التونسی»، رهبر گروه انصارالشریعه در تونس با ایجاد بیمارستان‌ها، مراکز خیریه، ایجاد زیرساخت‌های عمومی و حتی جمع‌آوری زباله‌ها، پیشنهادهای «ابومحمد المقدیسی» را عملی می‌کنند (Malik & Others, 2015)، می‌توان در سایر کشورها و برای رسیدن به هدف دعوت اسلامی در سایر کشورها نیز دست به چنین اقداماتی زد.

بیشتر سازمان‌های اسلامی با نمایندگی نوردیک عبارت‌اند از: اخوان المسلمین؛ حزب التحریر، جماعت تبلیغ و جماعت اسلامی هستند که با مکاتب دیوبندی هند و پاکستان و باریلوی؛ منهای القرآن؛ اخوان صوفی؛ سازمان حکومتی دیانت ترکیه و همچنین سازمان «غیرحکومتی» فتح‌الله گولن، میلی‌گیوروس، سلیمانلی، و نورثو؛ «فرقه» احمدیه؛ برخی از سازمان‌های شیعی و سلفی.

سازمان‌های اسلامی محلی نوردیک معمولاً عضو «سازمان‌های ملی چتر»^۱ هستند، به جز سلفی‌ها که به دلایل آموزه‌های تمایل به ماندن در خارج دارند. برخی از سازمان‌های محلی نیز در سطح اروپا نمایندگی دارند. به‌عنوان مثال، سازمان‌های وابسته به اخوان‌المسلمین با فدراسیون سازمان‌های اسلامی اروپا مستقر در بروکسل^۲ و شورای اروپایی فتوا و تحقیقات آنکه مسئولیت هماهنگی ارائه فتوای منطبق با قانون ملی هر کشور را بر عهده دارد، همگرا هستند. به‌طور خاص سازمان‌های مرتبط با اخوان‌المسلمین در چهارچوب «استراتژی ادغام» رفتار می‌کنند، زیرا اخوان‌المسلمین به‌طور کلی متعهد به یک روش (منهاج) برای استفاده از اسلام برای یافتن راه‌حل به منظور تساوی همه مسلمانان در جامعه است. این «اسلام کاربردی» همچنین، مطابق با روش‌شناسی آن‌ها، شکل واقعی و «معتبر» اسلام است (Lia, 2016). از این رو در بستر نوردیک، اخوان‌المسلمین همگرایی مسلمانان در جامعه از طریق اسلام کاربردی را ترویج می‌کند تا با استفاده از این روش روند ایجاد تغییرات در حوزه مدنی و حقوقی را به نفع مسلمانان در جامعه بیشتر هموار کند. «ادغام» ناظر به فرایند دوسویه همگرایی مسلمانان در جامعه نوردیک است (King, 2011). با این حال، وقتی این روند به صورت منحصربه‌فرد در کشورهای نوردیک بررسی می‌شود، اختلافاتی دیده می‌شود.

۵-۲-۲. هنجارهای جهادگرایان

سلفی‌ها به‌عنوان مخالفان اخوان جایگاه ویژه‌ای را در تعریف اسلام مورد نظر خود به‌عنوان قرائت غالب به خود اختصاص داده‌اند، آن‌ها شدیداً معتقد به تسری اصول و فروع اسلام به همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی (البته به روشی متفاوت با اخوان‌المسلمین) هستند. به عبارتی درحالی‌که اخوان‌المسلمین بر منهاج یافتن راه‌حل برای تساوی مسلمانان به‌عنوان شهروند جامعه نوردیک اصرار می‌ورزند، جهادگرایان به دنبال نگاه امت‌گرایانه به مسلمانان در جامعه نوردیک بوده و چندان درگیر موضوع شهروندی اجتماعی نیستند. علت این تفاوت نیز به این برمی‌گردد که اخوان‌المسلمین تلاش می‌کند با اصطکاک کمتر و با توجه به اصول جامعه ملاحظاتی خود را پیش ببرد، درحالی‌که سلفی‌ها با استناد دائم به کتاب مقدس اصرار دارند که مسلمانان باید از سنت پیامبر (ص) پیروی کنند، سنتی که در روایات مجسم شده است. در میانه این دو طیف، طیف تندرو اخوانی‌ها، به قرائت سلفی‌ها نزدیک‌تر هستند در بین سلفی‌ها نیز طیف میانه‌روتر (کسانی که به روش‌های غیرخشونت‌آمیز و لزوم تفسیر شریعت مطابق با قوانین ملی قائل هستند) نزدیک به قرائت اخوان‌المسلمین هستند. در این طیف‌بندی، هر چه به نوک پیکان قرائت هر یک از دو گفتمان بیشتر نزدیک شویم، گرایش‌ها نسبت به هم فاصله بیشتری می‌گیرند. هر چه به سمت نوک

۱. Umbrella Organizations

۲. Brussels-Based Federation Of Islamic Organizations In Europe (FIOE)

پیکان اخوان المسلمین نزدیک تر شویم، سازگاری با قوانین ملی بیشتر است و برعکس هرچه به سمت نوک پیکان سلفیت نزدیک تر شویم، انگیزه‌های تولید خشونت بیشتر می‌شود. اگرچه برخی از هنجارهای اسلامی در بین کلیه گروه‌های اسلامی با هم مشترک است، با این حال برخی از این هنجارها به صورت اختصاصی به جهادگرایان اختصاص دارد؛ در همین زمینه هنجارهای جهادگرایان را می‌توان به سه دسته تکفیر و حاکمیت الهی، جهاد و امت اسلامی تقسیم‌بندی کرد.

۵-۲-۲-۱. جهاد؛ اصلی‌ترین هنجار اسلامی

در واقع جهاد وظیفه شرعی و اصلی‌ترین هنجار اسلامی است که با مشاهده جاهلیت و کفر پیرامون برای یک سلفی به وجود می‌آید؛ بنابراین، اساساً از نظر سید قطب اسلام دین جهاد و مبارزه است و مسلمان واقعی کسانی هستند که به جهاد مشغول‌اند: «اسلام یا هست یا نیست. اگر هست اسلام جهاد و مبارزه پیگیر و دامنه‌دار و سپس شهادت در خدا و در راه حق، عدالت و مساوات است. و اگر نیست؛ نشانه‌اش آن است که همه به ورد و کر مشغول‌اند و به تسبیح و سجاده چسبیده‌اند و صبح و شام منتظرند از آسمان خیر، برکت، آزادی و عدالت بیارد... مسلمانان واقعی آن‌هایی هستند که در راه برتری و اعتلا کلمه حق به جهاد مشغول‌اند» (سید قطب، ۱۳۷۲، ص. ۳۷-۳۹ به نقل از مرادی، ۱۳۹۶). به همین دلیل اسلام‌گرایان جهادگرا، جهاد را محور و کانون رفتار خود در هر جایی قلمداد می‌کنند.

۵-۲-۲-۲. تکفیر و حاکمیت الهی

دو هنجار حاکمیت الهی و تکفیر دو روی سکه اسلام‌گرایان جهادی در نوردیک است. هنجار حاکمیت الهی ناظر به ممنوعیت هرگونه مشروعیت بخشی به حاکمیت انسان، و مبارزه با دولت سازی، ملت‌سازی، دموکراسی و نظام سیاسی است که انسان خود را در محور آن قرار دهد. این هنجار، هرگونه قانون‌گذاری برخلاف شریعت مقدس اسلام، هرگونه مقدم کردن قوانین غربی بر قوانین شرعی و شریعت، هرگونه توجه به دموکراسی و نشان دادن مردم در جایگاه خدا را، تکفیر کرده و آن را مصداق نقض حاکمیت الهی می‌داند (الظواهری، ۱۴۱۲، ص. ۴-۸ به نقل از مرادی، ۱۳۹۶). محور اصلی حاکمیت الهی را حاکمیت انسان یا حاکمیت شیطان تشکیل می‌دهد، در این تفکر نقض حاکمیت الهی، تکفیر را به دنبال دارد.

۵-۲-۲-۳. امت‌گرایی/بین‌المللی‌گرایی؛ تأثیر مهاجرت بر هویت بین‌المللی گروه‌های اسلامی اسلام‌گرایان سلفی همواره بر مفهوم امت در مقابل ملی‌گرایی -که اساساً نشانه‌ای از «عصبیت جاهلی» تلقی می‌شود- تأکید می‌ورزند. چه اینکه اصولاً روابط مسلمان با وطن، سرزمین و حتی خانواده‌اش بر اساس اعتقاد با خدا، شکل می‌گیرد و «مسلمان اصولاً جز همان عقیده‌اش که او را به عضویت «دارالاسلام» درمی‌آورد، ملیت و نژادی ندارد» (مرادی، ۱۳۹۶). امت‌گرایی را می‌توان نقطه عزیمتی برای بین‌المللی شدن گروه‌های اسلامی در نظر گرفت. با توجه به هنجارهای

ذهنی و اصول مسلمی صورت می‌گیرد که آن‌ها هویت خود را با آن تعریف می‌کنند. توجه به هنجارهای ذهنی این گروه‌ها بسیار اهمیت دارد. چگونگی بهره‌گیری از روش بین‌المللی خود و تعریف هنجارهای جهانی جهاد، سبب تأثیرگذاری بر شبکه مستقیم تولید خشونت توسط این گروه‌ها شده است. با نزدیک شدن به دهه ۲۰۱۰ هویت‌پذیری بین‌المللی گروه‌های اسلامی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. تعداد بیشتری از شهروندان تمایل داشته‌اند تا موقعیت بین‌المللی داشته باشند. تعداد بیشتری از نهادهای اسلامی در صدد عضوگیری بین‌المللی و دستورالعمل بین‌المللی بوده‌اند. فرایند بین‌المللی شدن سبب شده است تا این گروه‌ها خود را دگرگفت‌مان بومی و مردمی معرفی کنند.

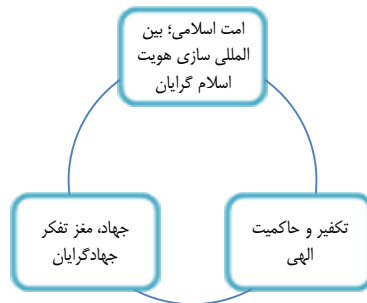
تخمین زده شده است که فقط در سوئد تعداد جهادگرانی که در جنگ‌ها درگیر بودند بین به ۳۰۰-۴۰۰ نفر بوده است. در خصوص فنلاند نیز تخمین زده شده است که حدود ۳۷۰ نفر با تروریسم بین‌المللی در ارتباط باشند و از این بین ۸۰ نفر برای پیوستن به جنگ در سوریه (حدود یک پنجم آن‌ها زنان هستند) آماده‌اند. برای فنلاند با حدود ۷۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ مسلمان این عدد غیرمعمول است. این در حالی است که حدود ۲۰ تن از این بیکارجویان به فنلاند بازگشته‌اند و شمار مشابهی نیز در این نبردها کشته شده‌اند.

کشورهای نوردیک به لحاظ تاریخی، پناهگاه امن بسیار استواری برای پناهندگان و مهاجرین بوده‌اند. کشورهای اسکاندیناوی بر اساس داده‌های مراکز همچون بروکینگز، بیشترین سرانه پناهندگان را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی‌های آماری نشان‌دهنده این است که کانادا و استرالیا در رتبه‌های بعدی قرار دارند (Radford, 2019: Pew Research Center) تنها در سال ۲۰۱۵، سوئد با سابقه ثبت ۱۶۲,۸۷۷ درخواست پناهندگی - عمدتاً از سوریه، عراق و افغانستان - حدود ۱,۶ درصد از جمعیت ۱۰ میلیون نفری سوئد، را به‌عنوان پناهنده پذیرفته است (Applications for asylum received 2000-2017). این در حالی است که در همین سال در ایالات متحده ۵ میلیون نفر درخواست پناهندگی داده‌اند که تنها ۸۳۰۰۰ نفر از این درخواست‌ها پذیرفته شده است (Mossaad, 2015: Annual Flow Report: Refugees and Asylees: 2015).

برای کشوری همچون سوئد که در دهه‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای سکولار شده، هجوم مسلمانان از کشورهای جنگ‌زده تأثیر زیادی بر سیاست و جامعه این کشور گذاشته است. برخلاف مطالعات امنیتی موجود در انگلستان و ایالات متحده در خصوص تروریسم، بیشتر مطالعاتی که در خصوص تروریسم در حوزه نوردیک صورت‌بندی شده‌اند، ناظر بر نوعی ادغام اجتماعی در دل ساختار اجتماعی بوده‌اند. همین سیاست ادغام، سبب شده است تا در سطح ملی نسبت به مواجهه با گروه‌های اسلامی از یک سو و حملاتی که از ناحیه این گروه‌ها در جامعه نوردیک صورت می‌گیرد از سوی دیگر حساسیت وجود داشته باشد. به همین دلیل استفاده از اصطلاح تروریسم نیز در

این کشورها برای ارتکاب یک حمله کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Malkki and Others, 2018: 761-771).

شاید به همین دلیل است که اولویت بسیاری از بازیگران جهادی، غالباً حمایت از مبارزات جهادی در جاهای دیگر بجای تمرکز بر کشور محل اقامت بوده است (Nesser, 2014: 440-456). ارزش این مطالعات در خصوص حوزه‌های حاشیه‌ای این پدیده بین‌المللی، به‌خوبی در مقاله اخیر برینجر لیا و پیتر نیصر با توجه به توسعه و جلوه‌های جهادی در نروژ نشان داده شده است (Brynjar, 2016: 3-24).



شکل ۴. هنجارهای گروه‌های اسلامی

۶. رفتارهای جامعه نوردیک – اسلام‌گرایان

با وجود اینکه عناصر سطح کلان و رخداد‌های برون منطقه‌ای از جمله شرایط خاورمیانه، جنگ‌های عراق، افغانستان، سوریه ... و تشکیل گروه‌های اسلام‌گرای افراطی در شکل‌گیری تقابل به وجود آمده در حوزه نوردیک از اهمیت برخوردار است، با این حال نقطه تمرکز پژوهش بر روی سطوح ملی و درون منطقه‌ای است. بعد از صورت‌بندی هنجارهای تنظیمی و قاعده‌ای، این هنجارها تبدیل به رفتارهای اجتماعی در دل ساختار اجتماعی می‌شوند. رفتارهایی که از یک سو منبعت از هنجارهای اجتماعی هستند و از دیگر سو نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای بر روی هویت سیاسی گروه‌های افراط‌گرا و جامعه نوردیک ایفا می‌کنند. در ذیل به چند بعد از رفتارهای جامعه نوردیک در خصوص افراط‌گرایی در قالب رفتار «افراطی سازی» و رفتار «امنیتی سازی» اشاره خواهیم کرد.

۶-۱. رفتار «افراطی‌سازی دوسویه جامعه و اسلام‌گرایان»

اکثر مسلمانان نوردیک پیش‌زمینه مهاجرتی داشته‌اند. اسلام و مسلمانان یکی از مسائلی هستند که مورد جذابی برای مقاومت اجتماعی در خصوص مهاجرت محسوب می‌شوند. جامعه نوردیک که با هنجارهایی شبیه به عرفی سازی اجتماعی، دولت رفاه لوتری و آزادی جنسیتی، جامعه را درونی کرده است، اسلام را تبدیل مسئله‌ای در مباحثات عمومی کرده تا تقسیم قدرت لوتری به

وجود آمده در جامعه بین کلیسا و دولت را تخدیش نکند. با این حال مسائل هنجاری جامعه - مهاجرین / اسلام‌گرایان در نوردیک، در دو مسئله صورت‌بندی شده است؛ نخست، تقابل جامعه - اسلام‌گرایان در چهار هنجار اشاره‌شده، و دوم تقابل در حوزه اقتصادی - کارکردی بین جامعه و مهاجرین / اسلام‌گرایان. این دو تجلی خود را در «هنجار افراطی سازی دوسویه اجتماعی» نشان می‌دهد؛ یک سوی این رفتار افراط‌گرایانه را جامعه هدف و گرایش آن به سمت تولید عناصر خشونت علیه اسلام‌گرایان نشان می‌دهد و سوی دیگر این رفتار افراط‌گرایانه را گروه‌های اسلام‌گرایی که پروژه محرومیت نسبی گروهی را تجربه می‌کنند.

۶-۱-۱. رفتار «افراطی سازی جامعه نوردیک»

یکی از اثرات مستقیم رویکرد به خشونت در گروه‌های اسلامی در کشورهای نوردیک، هنجار افراطی سازی اجتماعی است. هر چه اقدامات اسلام‌گرایان بیشتر به سمت خشونت و تئوری جهاد حرکت می‌کند، سبب واکنش نظام‌مند از یک سو و مقاومت مدنی نسبت به پذیرش گروه‌های اسلام‌گرا در بخش‌هایی از جامعه از سوی دیگر شده است. برخورد پرخاشگرانه یا مقاومت گونه یا عدم پذیرش این گروه‌ها در جوامع هدف از جمله اقداماتی بوده که در سال‌های اخیر هنجار طرد اجتماعی مهاجران را ایجاد و آن را تبدیل به رفتار مهاجرگریزی کرده است. طبق یک نظرسنجی از حزب دموکرات سوئد سیاست‌های ضد مهاجرتی در سال ۲۰۱۷ نسبت به ۲۰۱۴ بیشتر شده است، برخی از پژوهش‌ها پایین آمدن آستانه تحمل نسبت به این گروه‌ها را روایت کرده‌اند. این موضوع سبب صورت‌بندی افراطی سازی اجتماعی شده است. نگرش سنجی مردم در حوزه نوردیک نشان‌دهنده این است که مردم در این کشورها نسبت به سایر کشورهای اروپایی نسبت به گروه‌های اسلامی «کمتر نگرانند».

نروژ؛ نظرسنجی نگرش مردم نروژ نسبت به گروه‌های اسلام‌گرا و یهودیان از جمله دیگر نگرش‌سنجی‌هایی است، که نشان‌دهنده وضعیت برداشت از مردم در این کشور بوده است، این نگرش‌سنجی نشان می‌دهد که نگرش مردم نروژ نسبت به مسلمانان نسبت به یهودیان بدبینانه‌تر شده است (Hoffmann and Vibeke, 2017: 6-10). به‌طورکلی در نروژ میانگین نظرسنجی‌های سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷، نشان می‌دهد ۳۴٫۱ درصد از جمعیت عمومی برداشت تعصب‌آمیز مشخص علیه مسلمانان دارند. ۴۲ درصد از این جمله حمایت می‌کنند که «مسلمانان نمی‌خواهند در جامعه نروژ ادغام شوند». ۳۹ درصد از این جمله طرفداری می‌کنند که «مسلمانان برای فرهنگ نروژی تهدید هستند» و ۳۰ درصد از این جمله حمایت می‌کنند که «مسلمانان می‌خواهند اروپا را به دست بگیرند». بخش نسبتاً زیادی از پاسخ‌دهندگان نیز احساسات منفی نسبت به مسلمانان را صراحتاً ابراز می‌کنند. ۲۷٫۸ درصد از پرسش‌شوندگان، مسلمانان را دوست ندارند و در کل ۱۹٫۶ درصد از داشتن مسلمانان به‌عنوان همسایه یا در اطرافیان خود ناراضی بوده‌اند (Hoffmann and Vibeke, 2017: 8).

در این کشور دیدگاه مردم نسبت به گروه‌های اسلامی در سال ۲۰۱۸ به این ترتیب بود، ۳۴ درصد کاملاً نگران، ۲۶ درصد نگران، ۲۸ درصد نگرانی ندارند و باقی پرسش‌شوندگان بدون نظر هستند. باین حال با نزدیک‌تر شدن به سال ۲۰۲۰ دیدگاه مردم به سمت نگرانی بیشتر نزدیک شده است، برای مثال در این سال‌ها وقتی سؤال شده که «چقدر نگران اسلام‌گراها هستید»، داده‌ها نشان‌دهنده این بوده که ۶۰ درصد جامعه نروژ اسلام‌گراها را برای ۵ سال آینده جامعه، نگران‌کننده دانسته‌اند (2020 a, January).

سوئد؛ طبق آمارهای به‌دست‌آمده از نهادهای سوئدی، تنها در سال ۲۰۱۶ به صورت رسمی حدود ۱۶۲۸۷۷ مهاجر در این کشور پذیرفته شدند، که از این تعداد، چهارپنجم مربوط به جهان اسلام بوده است. در مقایسه مطابق با همین منابع از ۳۱ جولای ۲۰۱۷ جمعیت کل سوئد ۱۰۰۶۵۳۸۹ نفر بود. از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۸، جمعیت مسلمانان سوئد ۲ درصد افزایش داشته است و تا سال ۲۰۱۵ حداقل ۷٫۵ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل داده است، باین حال تا اوایل سال ۲۰۱۷، جمعیت مسلمانان سوئد به ۱۴ تا ۱۶ درصد رسیده است و از ۱٫۴ تا ۱٫۷ میلیون نفر رسیده است که بدین معنی است که در سوئد این جمعیت از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ دو برابر شده است. این، در کنار جمعیت مسلمانان که اینک تبدیل به دومین جمعیت بزرگ اروپا بعد از مسیحیان (کاتولیک، پروتستان و ارتدکس) شده است، سبب شده تا رشد سریع این گروه مذهبی در سرتاسر قاره اروپا تسری یابد. در سوئد شبیه به سایر کشورهای سرتاسر اروپای شمالی (به استثنای ایسلند) اسلام، تبدیل به دومین دین شده است (Eidemiller, 2018: 5). باین حال آمارها در سوئد نیز، همانند نروژ نشان‌دهنده افزایش سطح نگرانی مردم نسبت به مسلمانان بوده است. مردم نسبت به گروه‌های اسلامی نگرانی دارند، مثلاً نتیجه آمارها در همین خصوص در سوئد نشان‌دهنده این است که در سال ۲۰۱۸، ۶۰ درصد سوئدی‌ها نگران تهدیدها از ناحیه مسلمانان بوده‌اند، درحالی‌که این میزان در سال ۲۰۱۲، حدود ۲۷ درصد بوده است (2020 b, September).

فنلاند؛ نتایج داده‌ها نشان می‌دهد که وقتی این سؤال از فنلاندی‌ها پرسیده شد که تروریسم چقدر آن‌ها را «نگران می‌کند»، «تا حد بسیاری» نگران هستند که تروریسم افراطی آینده آن‌ها را دگرگون کند و آن‌ها نسبت به این موضوع نگرانی دارند (2020 c, August). دانمارک؛ دانمارک مورد مجزا و منحصر به فردی از روابط اجتماعی جامعه - اسلام‌گراها را تجربه می‌کند. وقتی از دانمارکی‌ها پرسیده شده که آن‌ها نسبت به وضعیت تروریسم در سال‌های آتی چه تصویری را دارند، بیش از ۳۵ درصد از آن‌ها معتقد بودند که وضعیت گروه‌های افراط‌گرا بر هم زنده وضعیت ثبات و ایجادکننده نگرانی آن‌ها است. برداشت همه این بود که نمی‌توان آن‌ها را با فرایند جامعه‌پذیری ترکیب کرد (2016, October). همین موضوع ساحت سیاست را نیز متأثر ساخته است. برای مثال در ۱۳ آگوست ۲۰۲۰ وزیر مهاجرت دانمارک در گفت‌وگو با

رسانه‌ها در خصوص یکی از گروه‌های اسلام‌گرای دانمارک گفت «آنها [حزب‌التحریر] به دانمارک تعلق ندارند» (Tesfaye, 2020).

باین‌حال، بررسی جهانی پیو نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۶ کشورهای اروپای شمالی در فهرست کشورهایی هستند که شهروندان آن‌ها کمترین دیدگاه منفی را نسبت به مسلمانان دارند و میزان مسلمانان در این کشورها از میانگین کشورهای اروپائی بیشتر است (Hackett, 2017). طبق همین نظرسنجی در خصوص جامعه‌پذیری هم ۲۶ درصد معتقدند که رسوم و آداب مشترک برای فرهنگ ملی اهمیت دارد و سه‌چهارم معتقدند که دگرها می‌تواند عضو جامعه باشد. ۵۷ درصد معتقدند افزایش مهاجرت سبب افزایش حملات تروریستی شده و ۴۰ درصد مخالف این هستند. و این نشان‌دهنده این است که افزایش تعداد مهاجران و تعداد حملات تروریستی سبب ایجاد دیدگاهی منفی نسبت به مسلمانان شده است. از ۲۰ هزار نفر از شهروندان سوئد در پائیز ۲۰۱۷، ۴۰ درصد نگران تروریسم بودند و ۳۷ درصد پناهندگان را نگران‌کننده‌تر از تروریسم دانسته‌اند (2020, a, b, c).

۶-۱-۲. رفتار «افراطی سازی گروه‌های اسلام‌گرا»

به میزانی که جامعه رفتار تولیدکننده خشونت نسبت به اسلام‌گراها در پیش گرفته، آن‌ها در ارتباط با شبکه مولد خشونت بین‌المللی قرار گرفته‌اند و الگوی ارزش‌های خود را از جامعه نوردیک به سمت الگوهای اسلامی تغییر داده‌اند؛ بنابراین، روی دیگر هنجار ادغام کامل و رفتار طرد اجتماعی، هنجار بین‌المللی‌گرایی/امت‌محوری و رفتار مولد خشونت بوده است.

هرچه جامعه واکنش افراطی‌تری نسبت به فرایند پذیرش اجتماعی گروه‌های اسلام‌گرا از خود بروز می‌دهد، این گروه‌ها بیشتر به سمت تولید افکار سیاسی ایدئولوژیک و رفتار خشونت‌آمیز حرکت می‌کنند. تبلور این موضوع را می‌توان در شبکه‌ای شدن کنش این گروه‌ها و قرار گرفتن در ساختار و سازوکار رهبری و ایدئولوژی بین‌المللی الهام‌بخش دید. سازوکاری که رشد استفاده از تکنولوژی شبکه‌ای در فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام و ... زمینه‌ای برای ارتباطات و فعالیت بیشتر و بین‌المللی شدن آن‌ها را فراهم کرده است.

۶-۲. رفتار «امنیتی سازی اسلام»

رفتار «امنیتی سازی اسلام» یا آنچه می‌توان تحت عنوان تقلا برای معرفی اسلام به عنوان «اسلام امنیتی»، از آن یاد کرد، خود به چهار دسته رفتارهای امنیتی سازی دسته‌جمعی، امنیتی سازی تاریخی، امنیتی سازی اجتماعی و امنیتی سازی انفرادی دلالت دارد.

۶-۲-۱. رفتار «امنیتی سازی دسته‌جمعی»

در خصوص گروه‌های افراطی، اجماع نظری در مورد همه کشورهای اروپائی وجود ندارد، گفت‌وگوها و مناظرات عمومی بسیاری در خصوص این مسئله در دو دهه اخیر به وجود آمده

است و بسیاری معتقد به تبادل نظر پیرامون این مسائل بودند. به همین دلیل مهاجرت تبدیل به مسئله‌ای شد که پیرامون آن چالش‌های بسیاری در جوامع اروپائی ایجاد شد. افزایش نقش و نفوذ ادارات مهاجرت و تشدید نظارت بیشتر، از جمله نتایجی است که در چهارچوب اتفاقاتی تحلیل و برداشت می‌شود که همین گروه‌ها آن را ایجاد می‌کنند. بالا بردن سطح هشدارهای نظارتی این کشورها در رابطه مستقیمی با تعاریف جدید از استراتژی‌های امنیت ملی این کشورها بوده است. موضوعی که خود وابسته به گفت‌وگوها و مناظرات در حوزه عمومی است.

در خصوص رفتارهای کشورهای نوردیک برای مقابله با هنجار، رفتار و هویت افراط بایستی ابتدا به رفتارهایی که کشورهای اروپائی به صورت دسته‌جمعی برای مقابله با تروریسم اتخاذ کرده‌اند، اشاره کرد. این همان چیزی است که از آن به‌عنوان «امنیتی‌سازی دسته‌جمعی» یاد شده است. این استراتژی‌ها که از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ ایجاد شد، مجموعه‌ای از رفتارهای ضدتروریستی این کشورها به صورت دسته‌جمعی را در بر گرفته است. تا قبل از یازده سپتامبر فرایند متقاعدسازی کشورهای اروپایی به نتیجه منتهی نشده بود، یازده سپتامبر، بازیگران اروپایی را متقاعد کرد تا به جای اینکه هر یک از آن‌ها به صورت مستقل با تهدید مشخص درگیر شوند، دیدگاه و اقدام مشترکی را در سرتاسر منطقه پی‌گیری کنند. این اتفاق زمینه‌ای را فراهم کرد تا سیاست مشترک ضدتروریسم اتحادیه اروپا ایجاد شود (Kaunert & Léonard, 2019: 261).

۶-۲-۲. رفتار «امنیتی‌سازی تاریخی مهاجرت»

یکی از مصادیق رفتار «امنیتی‌سازی دسته‌جمعی»، «امنیتی‌سازی تاریخی» مسئله مهاجرت است. مهاجرت سبب شده است تا جنبش‌هایی در این کشورها قوام و دوام یابند که مخالفت سرسختانه‌ای با «مسئله مهاجرت» داشته‌اند. جنبش مقاومت نوردیک یک جنبش نئونازی است و از نئونازی‌ها از دانمارک هم حمایت می‌کند و در ۱۹۹۷ در سوئد توسط سوسیالیست‌های سوئدی به وجود آمد، آن‌ها معتقدند که اروپای شمالی باید به صورت کل واحد نگاه شود و توانسته‌اند مانع از مهاجرت غیرسفیدها در سوئد و فنلاند شوند. این جنبش در سال ۲۰۱۶ سیاست‌های افراط‌گرایانه مبارزه با مهاجرت را تشدید کرد.

ریشه بسیاری از تحركات تروریستی در این حوزه را نیز بایستی از ناحیه مهاجرین دنبال کرد، موضوعی که بعدها راست‌گرایان افراطی آن را به مسلمانان نیز تعمیم دادند و تلاش کردند زنونفویا را تبدیل به اسلاموفویا کنند. در اوایل دهه ۱۹۹۰، ساکنان منطقه استکهلم درگیر موضوعی شدند که ترس و وحشت را در این شهر تسری داد. فردی بعد از درگیری در خیابان‌های تاریک، تیرباران شد و بیشتر کسانی که در این درگیری نقش داشتند، مهاجرین بودند. این حوادث سبب به وجود آمدن گفت‌وگوها و مجادلات بسیاری پیرامون مهاجرت و خارجی‌هراسی (زونوفویا)

شد. این در حالی بود که پلیس از عدم موفقیت در بازداشت مجرم خبر داده بود. جان اووسونیوس همان متهمی بود که ده ماه بعد هنگام سرقت از بانک دستگیر شد و بعدها مشخص شد که او شدیداً به وسیله کمونیست‌ها، مهاجران و سوسیال‌دموکرات‌ها تحریک شده است.

سوئد اولین حملات تروریست‌های اسلامی را در سال ۲۰۱۰ تجربه کرد. یک عراقی به نام تیمور عبدالوهاب العبدالی، از ساکنان سوئدی که تازه به داعش پیوسته بود، مواد منفجره‌ای را در خودرویی در قلب استکهلم به خود بسته و پس از آن جلیقه انتحاری خود را در یک مرکز خرید شلوغ در همان نزدیکی منفجر کرد (Nesser, 2014: 446).

درحالی‌که بسیاری از اروپایی‌ها تصور می‌کردند درگذشت اسامه بن‌لادن در سال ۲۰۱۱ و بعد از آن ظهور «بهار عربی» انتظاراتی را به وجود آورد مبنی بر اینکه جهادگرایی بین‌المللی ماهیت بین‌المللی خود را از دست داده است، تیراندازی‌های تولوز و موتناوبان در سال ۲۰۱۲ و قتل ناگوار «درامر لی ریگبی» در وولویچ در سال ۲۰۱۳ این موضوع را یادآوری کرد که تهدید تروریستی توسط تروریست‌های جهادی دائماً می‌تواند یک تهدید فعال در اروپا قلمداد شود (Nesser, 2014: 440-456).

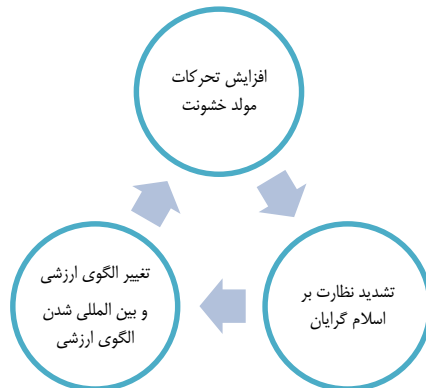
در زمانی که عبدالوهاب خود را منفجر کرد، تنها ۲۰۰ رادار اطلاعاتی در استکهلم وجود داشت، اما به گفته آندرس تورنبری، رئیس پلیس امنیت سوئد، در سال ۲۰۱۸ این تعداد به ۲۰۰۰ رسید. در آوریل ۲۰۱۷ حمله تروریستی دیگری اتفاق افتاد و آن استفاده از کامیون برای زیر گرفتن عابران در استکهلم سوئد بود که طی آن ۵ نفر کشته شدند، بعد از این حمله دولت مرزهای خود را نظارتی‌تر کرد، و مسلمانان را تحت نظارت بیشتری قرار داد و اطلاعات مربوط به اسلام‌گراها را مورد بررسی قرار داد. اگرچه نخست‌وزیر سوئد استفان لوفون گفته بود که پیام ما نسبت به تروریست‌ها شفاف است و ما از شما شکست نخواهیم خورد و زندگی ادامه دارد، با این حال سوئد رویه خود را تغییر داد.

در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۷ رئیس امنیت سوئد گفت که حضور افراط‌گرایان به هزاران نفر رسیده و این جمله نه سرآغاز، بلکه شتاب‌دهنده‌ای برای افزایش روند نظارت و امنیتی‌سازی اسلام‌گراها بود. برخلاف نظرات لوفون که گفته بود نخواهید توانست بر زندگی ما پیروز شوید، تغییراتی که در دستگاه‌های امنیتی سوئد ایجاد شد، روند کنترل و نظارت اجتماعی را تشدید کرد و سبب شد تا هر کس که مشکوک بود در استکهلم، گوتنبرگ و مالمو مورد تعقیب قرار گیرد. بزرگ‌ترین تهدیداتی که گروه‌های افراط‌گرایی به وجود آوردند در همین سال‌های بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ بود که بیشترین سطح کنترل در این زمان بود.

علاوه بر این نظارت داخلی، سوئد نخستین سربازان خود را به عراق و افغانستان فرستاد، یعنی دولت توانست مردم را مجاب به حضور در کشورهای اسلامی کند. این افزایش سطح فعالیت بین‌المللی سبب شد تا رفتارهای مربوط به مسلمانان تبدیل به یک رفتار تاریخی شود. بحث بر

سر ممانعت برای ورود گروه‌های اسلام‌گرا در جامعه نوردیک نبوده، بلکه آن‌ها به صورت تاریخی، امنیتی شده‌اند. این موضوع سبب انباشت بدبینی تاریخی نسبت به اسلام‌گرایان و متعاقباً شروع پروژه ضداجتماعی‌سازی آن‌ها شد.

همین موضوع سبب شد تا در آوریل ۲۰۱۹ مقامات نوردیک، افرادی را که از عراق و سوریه برمی‌گشتند، دستگیر کنند و ورود و خروج آن‌ها را با اقدامات نظارتی شدیدتری پیگیری کنند. درعین حال این موضوع خود سبب افزایش تحرکات گروه‌های اسلام‌گرای افراطی در این جوامع و متعاقباً افزایش پیوندهای بین‌المللی این گروه‌ها به منظور تداوم هویت بخشی ایدئولوژیک و تأمین مالی شد. این امر در قالب چرخه معیوب امنیتی‌سازی تصویر شده است.



شکل ۵. چرخه امنیتی‌سازی تاریخی

۶-۲-۳. رفتار «امنیتی‌سازی اجتماعی»؛ اسلام‌گرایان و راست‌گرایان افراطی

در نوردیک همه احزاب سیاسی موافق اعطای فرصت‌های برابر به مهاجران نیستند. خصوصاً احزاب پوپولیست راست رادیکال که نقش بسیاری در پارلمان‌های نوردیک دارند و طرفدار مالیات کمتر و سیاست‌های فرهنگی بسته‌تری نیز هستند، به لحاظ اقتصادی با سیاست پذیرش مهاجرین و مسلمانان مخالفت کرده‌اند. این احزاب در دانمارک، فنلاند و نروژ در دهه‌های ۱۹۷۰ به بعد با رفاه بیشتر کارگران را به‌عنوان دستور کار خود برگزیدند، اما به تدریج وارد سیاست‌های قوم‌ملی‌گرایانه خود شدند، به‌خصوص هرچه به مواقع بحران اقتصادی نزدیک می‌شویم، این احزاب بیشتر چالش‌های سیاسی ایجاد کرده‌اند.

سوئد یک حزب ضد‌مهاجرتی کوچک‌تر، اما نژادپرست دارد که ریشه آن به محافل نئونازی برمی‌گردد. این احزاب از اواخر دهه ۱۹۹۰ مسلمانان را به‌عنوان هدف اصلی خود انتخاب کردند و اظهار داشتند که فرهنگ اسلامی فرهنگ‌های نوردیکی را که با مسیحیت و سکولار شناخته می‌شوند، تهدید می‌کند (از آنجاکه مسیحیت برخلاف اسلام سازگار با نظام اجتماعی سکولار است). در این راستا آن‌ها از راست جدید اروپا تقلید می‌کنند که در دهه‌های گذشته مفهوم «نژاد» را با «فرهنگ» جایگزین کرده است تا توضیح دهد چرا مهاجران را نمی‌توان در این کشور جای

داد؛ بنابراین، گروه‌ها و احزاب راست‌گرا، کشورهای نوردیک را با «فرهنگ مسیحی» به روش‌های قوم‌ملی‌گرایانه معرفی می‌کنند که همه مهاجران و به‌ویژه مسلمانان را از اتخاذ الگوی هنجاری و ارزشی ملی محروم می‌کند.

بسیاری از افرادی که نسبت به برابری ادیان سیاست‌های راست‌گرایانه اتخاذ کرده‌اند، علاوه بر انتقادات نسبت به سیاست‌های برابری فرهنگ‌ها و تأکید بر حفظ میراث فرهنگی مسیحی‌لوتری، معتقد به سیاست‌های چندفرهنگی گروه‌های سوسیال‌دموکرات در کشورهای خود نیز هستند. آنان نه تنها دیدگاه منفی نهادها و بخش‌های راست‌گرای جامعه نوردیک نسبت به مسلمانان را نشان می‌دهد، بلکه دیدگاه منفی این بخش‌ها نسبت به رویکردها و بخش‌های چپ‌گرای جامعه نوردیک را نیز نشان می‌دهد. یکی دیگر از نمونه‌های این اقدام در رفتارهای راسموس پالودان رهبر حزب «خط سخت» دانمارک بروز می‌کند که با اقدام به آتش‌سوزی قرآن، مسئله اسلام‌گراها در سوئد و دانمارک را در سال آگوست و سپتامبر ۲۰۲۰ تبدیل به مسئله‌ای امنیتی کرد.

۶-۲-۴. رفتار «امنیتی‌سازی انفرادی»

اگرچه مدل امنیتی‌سازی نوردیک، یک مدل هم‌گرا است، با این حال رفتارهای جوامع نوردیک هم در پیوند با تلاش‌های دسته‌جمعی بود (Rahmati, 2019b: 125-140). و هم سیاست‌های مستقلی را دنبال کردند؛ از رفتار امنیتی‌سازی سوئد و دانمارک و نروژ گرفته تا رفتار عادی‌سازی فنلاند، رفتارهایی هستند که جوامع نوردیک در مواجهه با گروه‌های افراط‌گرای اسلامی به آن توجه داشته‌اند.

۶-۲-۴-۱. امنیتی‌سازی سوئد، نروژ و دانمارک

سوئد با هدف «مقابله و کاهش اهداف ارتكابی یا حمایتی حملات تروریستی»، «پیشگیری از افراط‌گرایی خشونت‌آمیز» را در رفتار ضدتروریسم خود مورد تأکید ویژه قرار داده است. در همین زمینه اگرچه مسئولیت مقابله با تروریسم بر عهده وزارت دادگستری سوئد است، با این حال ۲۹۰ شهرداری این کشور نیز در این خصوص اختیارات مستقلی برای این برخورد و مقابله با این گروه‌ها در اختیار دارند. در یک دهه گذشته این بیم وجود داشت که شهرداری‌های به‌اندازه‌ای که آماده مقابله با جنبش‌های راست‌گرای افراطی هستند و با نشانه‌های هشدارآمیز این گروه‌ها آشنا هستند، با نشانه‌های افراط‌گرایی و خشونت اسلام‌گرایان آشنا نیستند یا کمتر آشنا هستند. اداره امنیت سوئد در تشریح انواع تروریسم و افراطی‌گری سه دسته‌بندی را به شکل زیر ارائه داده است: افراط‌گرایی اسلامی مولد خشونت، جنبش قدرت سفید و حرکت خودمختاری (2020 (d, Accessed). نروژ نیز به مانند سوئد روندهای مقابله، کاهش و پیشگیری را دنبال کرده است. در این میان دانمارک به دلیل سرکوب هویتی مسلمانان مورد منحصربه‌فردی از امنیتی‌سازی را

دنبال کرده است. همین موضوع سبب شده است تا دانمارک بیشتر از سایر کشورهای نوردیک با مسئله افراط مواجه باشد.

۶-۲-۴-۲. ایمن‌سازی، عادی‌سازی و توازن‌بخشی فنلاند

فنلاند در حوزه نوردیک از جمله جوامعی است که با مشکل مهاجرت معکوس اسلام‌گرایان جهادی سوریه و عراق در جامعه فنلاندی مواجه است. فنلاند یک بار دیگر و در دهه ۱۹۳۰ نیز با چنین مشکلاتی مبنی بر بازگشت پیکارجویان از جنگ داخلی اسپانیا مواجه بود. بازگشت پیکارجویان خارجی از جنگ داخلی اسپانیا در دهه ۱۹۳۰ با موارد مشابه بازگشت پیکارجویان در درگیری‌های سوریه و عراق همخوانی دارد. در همین مقاله او به پاسخ‌های رسمی به این دو موج از بازگشت افراد اشاره دارند. درحالی‌که سرویس اطلاعات امنیتی فنلاند (SUPO) تعداد مبارزان خارجی فنلاندی در خاورمیانه را ۸۰ نفر تخمین زده است، در مجموع ۸۶ فنلاندی با گرایش چپ در جنگ داخلی اسپانیا شرکت کردند.

در بین کشورهای حوزه اسکاندیناوی فنلاند شاید پیشگیرانه‌ترین استراتژی را اتخاذ کرده است، راهبردی که می‌توان آن را در قالب خنثی‌سازی تفسیر کرد. منظور از خنثی در اینجا به این معنی است که جامعه تلاش کرده است تا بار ایدئولوژیک سیاست‌ها و راهبردها را به حداقل برساند و اقدامات و رفتارهای پیشگیرانه را تعقیب کرده است. سه رفتاری که فنلاند برای مقابله با تروریسم از آن‌ها استفاده کرده است، نخست طرح لنگر^۱ و دوم طرح رادینت^۲، و سوم طرح موازنه‌سازی^۳.

ایمن‌سازی و طرح لنگر

منظور از طرح لنگر که در سراسر فنلاند فعالیت می‌کند و با مجرمان جوان در ارتباط است، این است که حکومت به جوانان اجازه می‌دهد تا از سلاح‌های حکومتی استفاده کنند. این طرح با هدف کمک به جوانان در سرتاسر فنلاند صورت می‌گیرد. صرف‌نظر از اینکه جوانان در کجای فنلاند زندگی می‌کنند، آن‌ها این فرصت را دارند تا علائم رفتار مجرمانه را از خود بروز دهند، از مواد مخدر استفاده کنند یا در معرض افراط‌گرایی احتمالی قرار بگیرند. در خصوص گروه‌های افراط‌گرای اسلامی این طرح، جوانان و افراط‌گرایان را در معرض ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز و ابراز افراط‌گرایانه عقاید قرار می‌دهد.

ایمن‌سازی و طرح رادینت

۱. Anchor
۲. Radinet
۳. Balancing

علاوه بر طرح حکومتی لنگر، برنامه‌ای داوطلبانه به وسیله نهادهای غیرحکومتی فنلاند هدایت می‌شود و به دنبال ادغام افراط‌گرایان راست افراطی و افراط‌گرایان اسلامی در جامعه فنلاندی است. رادینت یک پروژه جدید در فنلاند با هدف کمک به افرادی است که گرفتار عقاید سیاسی یا مذهبی رادیکال هستند. هدف برنامه رادینت کمک به افراد رادیکال است که از خشونت و افراط‌گرایی خودداری کنند. از جمله افرادی که در این پروژه درگیر هستند، می‌توان به کسانی اشاره کرد که پیش‌تر سیاست‌های راست افراطی داشته‌اند و اینک آن‌ها را رها کرده‌اند. این طرح همچنین با هدف کمک به فنلاندی‌هایی که بعد از جنگیدن در سوریه به فنلاند بازگشته‌اند، تدارک دیده شده است تا ایدئولوژی‌های افراطی خود را پشت سر بگذارند.

فنلاند و موازنه‌سازی گروه‌های اسلامی

در سال‌های اخیر، خصوصاً با پذیرش موج مهاجرین در سال ۲۰۱۵، یکی از سیاست‌های هوشمندانه فنلاند در خصوص جذب مسلمانان، پذیرش پناهندگان شیعه عراقی بود، فنلاند با استفاده از این سیاست توانست ترکیب قومی - مذهبی جامعه مسلمانان در کشور را دچار تغییر کند و توازن بین اسلام‌گرایان سنی که به صورت سنتی از یک‌صد و سی سال پیش و با آمدن مسلمانان تاتار روسیه در این کشور سکنی گزیده بودند و اسلام‌گرایان شیعه که اخیراً آن‌ها را به جامعه فنلاندی جذب کرده، برقرار کند.



شکل ۶. رفتارهای حاصل از هنجارهای اسلام امنیتی در نوردیک

۷. نتیجه‌گیری

ورود نسل جدید مهاجرین به جامعه نوردیک، سبب شده است تا الگوی ارزشی جامعه دستخوش تغییراتی شود. با اقتباس هنجارهای رادیکال توسط گروه‌های اسلامی در جامعه نوردیک، جامعه نوردیک به سمت الگوی هنجاری و ارزشی لوتری - نوردیک حرکت کرده و همین موضوع سبب

ایجاد رفتار خشونت‌آمیز توسط اسلام‌گرایان افراطی در قالب تولید خشونت از یک سو و رفتارهای اجتماعی زدایی توسط جامعه خصوصاً بخش راست‌گرای افراطی از سوی دیگر شده است. نتیجه این چرخه معیوب، رفتار افراطی‌سازی و امنیتی‌سازی جامعه نوردیک و رفتار عدم پذیرش و ادغام حداکثری دوسویه و پذیرش الگوی ارزشی متقابل مسلمانان در جامعه نوردیک شده است. هر چه به دهه دوم قرن ۲۱ نزدیک می‌شویم، رفتار اتحادیه اروپا مبنی بر تعامل دوطرفه مسلمانان اقلیت و جامعه اکثریت یعنی پذیرش دوطرفه، کم‌رنگ‌تر شده و هر یک از دو طرف به سمت نوک پیکان افراطی‌سازی حرکت می‌کنند. افراطی‌سازی که تجلی آن در گروه‌های اسلام‌گرا تبدیل به تولید فکر سیاسی، بازتولید هنجارهای بین‌الملل‌گرایانه و تولید رفتار خشونت‌آمیز و در جامعه نوردیک تمایل به سمت راست‌گرایی مذهبی - قومی بوده است. این موضوع سبب شکل‌گیری جنس خاصی از هویت سیاسی - فرهنگی در کشورهای نوردیک شده است، هویتی که خود برابندی از هنجارهای تنظیمی و قاعده‌ای، کلامی و رفتاری از یک سو و رفتارهای خاص در هر یک از دو طرف در جامعه نوردیک بوده است. این موضوع می‌تواند الگوی ارزشی هر یک از دو طرف را در جامعه نوردیک دستخوش تغییر قرار دهد.

کتابنامه

۱. الظواهری، ایمن. (۱۴۱۲). الحوار مع الطواغیت مقبرة الدعوة و الدعاة.
۲. بوزان، بری؛ الی، ویور. (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل. ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. بیلیس، جان؛ استیو، اسمیت. (۱۳۸۴). جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها). تهران: انتشارات ابرار معاصر.
۴. پارکر، جان. (۱۳۸۳). ساختار بندی. ترجمه امیرعباس سعیدی پور، تهران: انتشارات آشیان.
۵. فی، برایان. (۱۳۸۹). فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرش چندفرهنگی. ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر نو.
۶. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی. ترجمه محمدرضا جلالی پور، تهران: انتشارات طرح نو.
۷. مرادی، عبدالله. (۱۳۹۷). نظام بین‌الملل و افراط‌گرایی در اسلام سیاسی (پس از فروپاشی شوروی). رساله برای دریافت درجه دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی.
۸. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.
۹. ونت، الکساندر. (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۰. هادیان، ناصر؛ گل محمدی، احمد (۱۳۸۳). عوامل ذهنی مؤثر در اندازه‌گیری قدرت و پیامدهای آن. فصلنامه سیاست خارجی، ۷۰، ۲۶۳-۲۹۲.

References

1. (2010, October) UNPD 2010: United Nations Population Division/International Migrant Stock/Country Profiles, accessed 6 October 2010: at <http://esa.un.org/migration/p2k0data.asp>
2. (2016, October) "Do you think the danger of terror attacks is current?" accessed in 11 October 2020, available in: <https://www.statista.com/statistics/870819/threat-situation-of-terror-attacks-in-denmark/>
3. (2020 a, January), "How concerned are you about a terror attack occurring in Norway within the next five years?" accessed 13 October, available in: <https://www.statista.com/statistics/957563/concern-about-a-terror-attack-occurring-in-norway/>
4. (2020 b, September), Share of people that are very concerned about terrorism in Sweden from 2008 to 2018, Available In: <https://www.statista.com/statistics/901019/share-of-people-concerned-about-terrorism-in-sweden/>.
5. (2020 c, August) **To what extent does international terrorism make you worry about the future? Accessed 12 October, Available In:** <https://www.statista.com/statistics/697713/worry-about-international-terrorism-in-finland/>
6. (2020, d) "Swedish Security Service, 2020: Political and Religious Extremism", Available In: <https://www.sakerhetspolisen.se/en/swedish-security-service/counter-subversion/political-and-religious--extremism.html>
7. [2020] "Applications for asylum received 2000-2017," Migrationsverket, <https://www.migrationsverket.se/download/18.4a5a58d51602d141cf41038/1515076827649/Application%20for%20asylum%20received%202000-2017.pdf>.
8. Al-Zawahiri, Ayman (1992) **Dialogue with tyrants, the cemetery of the call and preachers**. (In Persian).
9. Andersen, Torben M. and Molander, Per, (2003) "Introduction", in Andersen and Molander (eds.): **Alternatives for Welfare Policy: Coping with Internationalisation and Demographic Change**, Cambridge University Press, Cambridge, pp. 1-22.
10. Buzan, Brary and Ole Wiver (2003) **Regions and Powers: The Structure of International Security**, Cambridge University Press. (In Persian).
11. Christhard Hoffmann and Vibeke Moe (2017), **Attitudes towards Jews and Muslims in Norway 2017**, Published By: Center for Studies of the Holocaust and Religious Minorities.

12. Cox, caroline & marks john (2003) **The West, Islam and Islamism: Is Ideological Islam Compatible with Liberal Democracy?** Civitas: Institute for the Study of Civil Society.
13. Dalgaard-Nielsen, Anja (2010), “Violent Radicalization in Europe: What We Know and What We Do Not Know” **Studies in Conflict & Terrorism**, Volume 33, 2010 - Issue 9.
14. Eidemiller, K Yu, E A Samylovskaya and R-E A Kudryavtseva (2018), Islamic diffusion of Nordic countries: Sweden, Arctic: **History and Modernity**, IOP Conference Series: Earth and Environmental Science.
15. Fay, Brian (1996) **Contemporary Philosophy of Social Science**, Blackwell, Oxford, UK. (In Persian).
16. Hackett, Conrad (2017) “5 facts about the Muslim population in Europe” accessed in 19 September 2020, available in:
<https://www.pewresearch.org/fact-tank/2017/11/29/5-facts-about-the-muslim-population-in-europe/>
17. Hadian, Nasser and Golmohammadi, Ahmad (2004), Mental factors affecting the measurement of power, *Foreign Policy Quarterly*, No. 70. (In Persian).
18. Ingebritsen, Christine, 2006: **Scandinavia in World Politics**, Rowman & Littlefield, Lanham, MD.
19. John Baylis and Steve Smith (2001) **The Globalization of world Politics: an Introduction of International Relations**, Oxford University Press. (In Persian).
20. John, Parker (2002), **Structuration (Concepts in Social Sciences)**, Open University Press. (In Persian).
21. Kaunert, Christian & Sarah Léonard (2019) “The collective securitisation of terrorism in the European Union” **West European Politics**, Volume 42, 2019 - Issue 2.
22. King, Michael & Donald M. Taylor (2011) “The Radicalization of Homegrown Jihadists: A Review of Theoretical Models and Social Psychological Evidence” **Terrorism and Political Violence**, Volume 23, 2011 - Issue 4.
23. Klausen, Jytte, 2005: **The Islamic Challenge: Politics and Religion in Western Europe**, Oxford University Press, Oxford.
24. Lia, Brynjar and Petter Nesser (2016), “Jihadism in Norway: A Typology of Militant Networks in a Peripheral European Country,” **Perspectives on Terrorism** 10, no. 6 (2016): 3–24.
25. Malka Haim & William Lawrence (2013), *Jihadi-Salafism’s Next Generation*, **CSIS Middle East Program**, Analysis Paper.
26. Malkki and Others, (2018), “Terrorism and Political Violence in the Nordic Countries” **Terrorism in Nordic Countries**, Volume 30, 2018 - Issue 5.
27. Martikainen, Tuomas, 2009: “Finland”, in Göran Larsson (ed.): **Islam in the Nordic and Baltic Countries**, Routledge, London, pp. 76–89.

28. Moradi, Abdullah (2015), "The International System and Extremism in Political Islam (After the Collapse of the Soviet Union)", **Thesis for Doctorate in International Relations**, Allameh Tabatabai University. (In Persian).
29. Moshirzadeh, Homeira (2005), **Evolution in Theories of International Relations**, Tehran: SAMT Publications. (In Persian).
30. Nadwa Mossaad, "Annual Flow Report: Refugees and Asylees: 2015," U.S. Department of Homeland Security Office of Immigration Statistics, November 2016, https://www.dhs.gov/sites/default/files/publications/Refugees_Asylees_2015.pdf.
31. Nesser, Petter (2014) "Toward an Increasingly Heterogeneous Threat: A Chronology of Jihadist Terrorism in Europe 2008–2013", **Studies in Conflict & Terrorism**, Volume 37, 2014 - Issue 5.
32. Nesser, Petter (2014), "Toward an Increasingly Heterogeneous Threat: A Chronology of Jihadist Terrorism in Europe 2008–2013," **Studies in Conflict and Terrorism** 37, no. 5 (2014) and the Appendix 3 in Petter Nesser, Anne Stenersen, and Emilie Oftedal, "Jihadi Terrorism in Europe: The IS-Effect," *Perspectives on Terrorism* 10, no. 6 (2016).
33. Pestoff, Victor (2004), "The Development and Future of the Social Economy in Sweden", in Adalbert Evers, and Jean Louis Laville (eds.): **The Third Sector in Europe**, Edward Elgar, Cheltenham, pp. 63–82.
34. Radford, Jynnah and Phillip Connor (2019) "Canada now leads the world in refugee resettlement, surpassing the U.S.," Pew Research Center, June 19, 2019, [Available in 11.5.2020]: <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2019/06/19/canada-now-leads-the-world-in-refugee-resettlement-surpassing-the-u-s/>.
35. Share of individuals who are afraid attacks in Denmark 2004-2019 (2020), available in: <https://www.statista.com/statistics/869975/share-of-individuals-who-are-afraid-of-terror-attacks-in-denmark/>
36. Simcox, Robin (2018), "Scandinavian Approach to Counterterrorism, Islamist Ideology Is Fatally Flawed", available in: <https://www.heritage.org/terrorism/commentary/scandinavian-approach-counterterrorism-islamist-ideology-fatally-flawed>
37. Smith, Anthony D., (2003) **Chosen Peoples: Sacred Sources of National Identity** Oxford University Press, Oxford.
38. Tesfaye, Mattias (2020) "Minister raser over muslimsk organisation: De er sørgelige og hører ikke hjemme i Danmark" 12, August, 2020, available in: <https://www.bt.dk/samfund/minister-raser-over-muslimsk-organisation-de-er-soergelige-og-hoerer-ikke-hjemme-i>.
39. UNHCR (2018) Statistics on refugees and asylum-seekers in the Northern Europe region, Overview Northern Europe, Pp 1-9
40. Wednt, Alexander (2005), **The Social Theory of International Politics**, translated by Homeira Moshirzadeh, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. (In Persian).